



ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال سوم نیمه اول مرداد ۱۳۶۸

ترورسیم دولتی رژیم و اهمیت مقابله با آن

قتل عام و سرکوب فاشیستی جنس مخالف در داخل، صدور انقلاب اسلامی و ترورسیم دولتی سرکشی اصلی شیوه حکومتی و بیعی رژیم اسلامی در جهت حفظ و تحکیم سلطه اش بر مردم کشورمان از اولین روزهای قدرت آن بوده است. رهبران اصلی رژیم از خمینی گرفته تا آخوندی درجه چندم غیرم مشکلات عمده... شان در مراحل مختلف حیات سیاسی جمهوری اسلامی بدرجات مختلف از این سرکشی اساسی دفاع کرده و آنرا رمز بقا و حفظ پایه های لیزان حکومتی درمان فریب خوردگان حزب الله دانسته اند. خمینی در آخرین ماه های حیات خود، در شرایطی که بیشتر سنش را در درگذشتن را بگذراند با غرب احساس میکرد، فتوای قتل سلمان رشیدی را صادر کرد.

علیرغم شکنجه های بسیار جدی جان نشینان خمینی و نیز آنهایی که سرما به ها و اعتقادات غریبی در شرایط کنونی بعد از جنگ، با فشاری آنها برتداوم فتوای قتل سلمان رشیدی، نشان دادند و توسعه همان منشی است که خمینی تا آخرین نفس درگسترش ترورسیم دولتی اتخاذ کرده بود. از اینرو همه نیروهای مبارز و انقلابی باید با هوشیاری و دقت کافی در هر راهی با یکدیگر همکاری داشته باشند تا در اوضاع این سیاستها و فتاویا و دولتهای اروپایی جهت خنثی کردن نقشه های جناح راست، رژیم مسادرت کنند.

اما متأسفانه اپوزیسیون مرفقی ایران در خارج از کشور تا بحال اقدام جدی و بیگیری در مقابله با تعرض تروریستی رژیم اتخاذ ننداده است. بعد از سرور آقای جینگر در وین، در دو سال پیش، کاملاً آشکار شده بود که رژیم با برنامه دقیق نقشه های شوم تروریستی خود را پیش میبرد. ولی اپوزیسیون

در صفحه ۲

تصمیمات دومین کنفرانس سازمان خارج از کشور در مورد تامین بخش مهمی از هزینه ها و تدارکات کنگره سازمان

کمیته خارج از کشور سازمان ما از بدو تأسیس تنها تعداد انگشت شماری از اعضا و کارکنان سازمان را که به خارج منتقل شده بودند، تا مسائل میند، تاکنون بعنوان یک کمیته منطقه ای اما با وظائف پشتیبانی متکین به فعالیت انقلابی و کمونیستی خود ادامه داده است. انجام بخش مهمی از

در صفحه ۳

نامه ای از ایران: حال و هوای تهران در مرگ خمینی

۶۸/۳/۱۴ - قبل از اینکه خبر سه درک واصل شدند خمینی رسماً در ساعت ۷ صبح روز ۱۴ خرداد از رادیو بخش شود، با توجه به فعل و انفعالات شبانه، عوامل سرکوب در محلات گاه ساعت ۲ بعد از نیمه شب شروع شده بود. شبی از مردم حدس زده بودند که چه اتفاقی افتاده و سنا به روایتی حتی آنها شی که صبح زود از خانه ها بیرون زده و در صف ناشیانی جا میگریفتند، اما به روی خود نمی آوردند که چیزی احساس کرده اند و دولتی دوسه نفری و بطور خصوصی با هم نجوا میکردند و خیرا احتمال میگرفتند که خمینی را به هم میسازند و خصوصاً وقتی دیدند در آدیو

برنامه های عادی اثر را قطع کرده و قرآن بخشن میکنند تقریباً حدس صحیح از زمان نزدیک به واقع جلوه گرمیند. نزدیک ساعت ۷ و لوله ای در خیابان و کوجه های اطراف مشاهده میشدند که رادیو از اکثر خانه ها و مساجد محل بگوش میرسید و وقتی گوینده، رادیو سنا نظاً هر سه گریه خیر سقط شدن جلاد را اعلام کرد پس برای لحظه ای همه در جایی حرکت شدند و سپس خلبانی آرام به سمت خانه ها نشان حرکت کردند. یکی دو نفر که لباس سیاه پوشیده بودند تا ظاهراً هر و سرور صد شروع به گریه کردند اما ما برس همچنان با احتیاط همچگونه

در صفحه ۶

مجلس شورای اسلامی ها بیدپا رک بلندن نیست!

در حاشیه ماجرای شرع پسندندمانه کرج وحدتی ناشی از ترس تروریستی ارگان رژیم، پس از مرگ خمینی، همه سرگردان حنا بتکار آن و خاکشان حقوق بگیران را بهم نزدیک کرده است. جناح های گوناگون رژیم تقریباً وظایف را حول رهبری خامنه ای و راست جمهوری رفسنجانی گردهم آمده اند و مخلوکیان رسمی جناحها، از آذری قمی گرفته تا خامنه ای و رفسنجانی و موسوی نخست وزیر و وحدت شیشه ای بدست آمده راه فال نیک گرفته، آنرا برای بقای جمهوری اسلامی حیاتی میدانند. اما گویا اوضاع قرار نیست بیرون فرود آید یا ن بچرخد.

روزها زده هم نشنید در جلسه علمی مجلس عبدالحمید شرع پسند، از جناح حزب الله و نماینده کرج، در سخنرانی قبل از دستور، با ذکر بیخ دلیل از نماز سنجکی مجلس استعفا داد. بیخ دلیل وی و استعفا پیش، سنگ جدیدی بود که بر آرا مشظا هری و توافق همگانی موری و شیشه ای فقها اما بت میگردد. وضعیت لحظه را "رسالت" دو هفته ۱۲ تیر ماه در مطلبی تحت عنوان "در حاشیه سخنان آقای شرع پسند" بهتر از همه تصویر کرده است:

"در حال و هوایی که پس از رحلت جانگذا زهریر

در صفحه ۲

در صفحات داخلی:

- * آکسیون در راه بطنه با مرگ خمینی
- * تولد جنبش سوسیالیست ها در انگلستان
- * سفر بوش به لهستان و مجارستان
- * کنفرانس سران هفت کشور صنعتی

مراسم به خاکسپاری دکتر قاسملو

نمایندگان اغلب سازمانها سیاسی ایرانی، شخصیتها و احزاب کرد و نمایندگان از طرف چند دولت اروپایی در مراسم خاکسپاری حضور داشتند.

تظاهرات و اعتراضات در وین

دو هفته پس از وقوع جنایت تروریستی رژیم اسلامی در وین، اجامتهای خلق کرد و حزب دمکرات کردستان ایران، دکتر عبدالرحمان قاسملو دبیرکل حزب و عبدالله قادری آذری عضو کمیته مرکزی و مسئول دفتر خارجی آن در میان چند هزار رفسنراز تشیع کنندگان ایرانی و خارجی از انجمنی سوسی کردتا کورستان پر لاش زخمی گردید. جمعیت مناعت کشته که در میدان جمهوری با ریس گرد آمده بودند، در طول مسیر بمدت یک ساعت و نیم، همراهمانوا ده، آشنا بان و همکاران حزبی شیدا، جنازه ها را تا کورستان مناعت کردند. در میان جمعیت نمایندگان اغلب سازمانهای سیاسی ایرانی، سازمانهای سیاسی

در صفحه ۱۲

معرفی کتاب: مسلمان (داستانهای گزاشگونه)

در صفحه ۵

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپاخیزیم!

ترو ریسیم دولتی رژیم و...

تنها به صورتی که در اعلامیه و فشارها محدود است دولت اتریش اکتفا کرده و بیگیری موضوع را فراموش نمود. دولت های غربی هم قاطعانه با دلیل روابط و مناسبات بسیار رسود آورشان نمی توانستند و نمی توانستند تمسکات جدی در مقابل آنها با آن اتخاذ نمایند. همچنانکه در ماجرای کرجی سر ترو ریسیم جمهوری اسلامی در فرانس و مهمترین آن در ماجرای سلمان رشدی، حدیثیات اقدامات ظاهری و سیاسی نتایج: این دولت ها را تا حدیسیم، دولت فرانس در ماجرای کرجی تاریخ دوست سال با صلاح حقوق قضائی خود را بخاطر حفظ مناسبات اقتصادی با ایران خوب حراج زده و کرجی جنا سنگار را آزاد کرد. با توجه به موافق دولت فرانسه، آلمان انگلیس، به ویژه تکلیف دولت فرانسه را بر بیطرف اتریش معلوم است بی دلیل نیست که چندین ترو ریزان بیوزنسیون ایرانی با جنم بوشی پلیس و دولت اتریش دریا سخت آن کشور صورت میگرد.

همانطوریکه در نشریه، شماره ۴۷ پیام کارگر نیز اشاره کردیم، این تنبیه و تنبیه وظیفه نیروهای سیاسی انقلابی ایرانی در خارج و کلا بیوزنسیون است که با جدی گرفتن موضوع، اقدامات موشی را برای مقابل با ترو ریسیم جمهوری اسلامی سازمان دهد. همکاری نیروهای مترقی و بشردوست کشورهای میزبان و با عکس العمل اجباری دولت ها در صورت فعال شدن نیروی بیوزنسیون ایرانی است که جلب خواهد شد.

ترو ریزان عبدالرحمن قاسم لودبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران و همراهان وی، هم اکنون تازه ترین حلقه از جناحیات ترو ریسیتی جمهوری اسلامی علیه بیوزنسیون و شخصیت های آن است، که رژیم در ارتکاب آن دریا نیز از خود بیجا گذاشته است. از این رو هم بیشترین فشار خود را روی دولت اتریش متمرکز کرده تا بلکه ترو ریسیتی بخاطر هدیه های را هر چه زودتر از دست پلیس اتریش آزاد نماید. اخبار جدید موافق آنست که دولت اتریش حداقل یکی از آنها را آزاد کرده و به ایران فرستاده است و تلاش در راست مالی این جناحیات دارد، تا را بطن با ایران بخیر نسفتند.

ما بار دیگر برای اینکه متوجه اقدامات بیرونه و موشی انجام داده دوسرای اینکه بتوان اقدام کاری آنرا حفظ کرد. چرا که ترو ریزان قاسم لودبیرکل همراهان وی آخرین آن نخواهد بود. از همه تنبیه و گمانی که نسبت به سر نوشت دمکراسی و انقلاب در ایران حساسند دعوت می کنیم تا مشترکاً کمیته ای سراسری ویا کمیته های محلی را بسرای مقابل با اقدامات روجدی با ترو ریسیم دولتی جمهوری اسلامی سازماندهیم. جمع آوری اطلاعات، افشای نقشه های ترو ریزان و در شرایط کنونی در ارتباط با ترو ریزان، اعزام و کلا، قاضی ها و شخصیت های شناخته شده و برجسته حقوقی برای جلوگیری از سازش و تارک کردن نتایج موشی از بطن هر دیپلمات ایرانی دستگیر شده توسط پلیس اتریش و فرخوان بسرای حرکت های اعتراضی توده ای، میتوان اقدامات از جمله اقدامات این کمیته ها باشد.

مجلس شورای اسلامی...

کبیر: انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی همه تفرقه ها و چندگی مکی ها و جناح بندی ها رنگ باخته و فاشی عطر آگس از "سلم" و "نفا" شکل گرفته است... سخنانی آنیم از بنده مجلس شنیده می شود که گوئی نامی در آن "ها" بنده را که لندن آنیم از زمان حسی خدا نقلات سی خیر از همه چیز شرف آورده اند! او اولاد رحال و هوای انقلاب و سر. کشور نیستند، نمی دانم چنین فردی با چنین بداهت ذهنی سرگویی نما بندگی شما مقدس مجلس شورای اسلامی چه میکند!؟

بسیار از شما موضوع در روزنامه ها و بیخوش آن از راه دیر، بلایان طرد دستجات حمایتی یا نسیه رفسحانی - خا منهای راه افتاده و فردای آن، سه اصطلاح "مردم" "مردم" "مردم" از اعضای یک طومار ۲۰ متری خود را دستگیری شرح می دهند. آنها در بلاکارد... هائی که در مقابل مجلس حمل میگردند، شعارهای "مرگ بر شرح بسند"، "شرح بسند منافق اعسند! م با یاد کردن آنرا نوشته بودند. در همین تجمع یکی از خواهران زینب بنا ما شرف مردانی اعلام میکنند که با بدحکمی را که در مورسلان رشدی دادند، راجع به ایشان (شرح بسند) هم به هندی. کربوبی تا ثرتشس مجلس بیرون آمده و به آنها قول داد که "شرح بسند از مجلس اخراج خواهد شد. محاکمه ویا تحت تعقیب قرار گرفتن وی بدلیل اها نشانی به عهده ای ارگان های ذیربط است." (روایت ۱۴ شماره ۱)

بسیار از شما دلیل استعفا شرح بسند حزب اللهی و عفوخوا نموده، شهید در با ساری از جمهوری اسلامی چه بوده است که این قدر چنان نشانی خمینی را عیبی و آشفته کرده است، او دریا نشانه کوتاه چینی گفت:

"۱ - نبودن سند و عدم امنیت و امکان برای انجام وظایف قانونی شما بندگی که در سوگند نامه اصل ۶۷ قانون اساسی آنها را تعهد نموده ام، از جمله مهمترین آنها دفاع از قانون اساسی.

۲ - تگرانی شدید از آینده سیاسی کشور به علت برخی تغییرات قانون اساسی و تحولات سیاسی واقع شده و در حال وقوع و تکرار و اول قدرت در دست عدوی معدود و حضور تشریفاتی وسطی مردم بحای مشارکت عمیق و موشر آنان.

۳ - نداشتن پاسخ مناسب و منطقی برای کرائی ترو ریسیم تغییرات نا رو و برهیز و وسلسل مسئولین از جیت گیری قاطع و جدی در برابر تکرار نشانی شما به های کلان با داده که آنها بتا تگرانی برای استقلال کشور میشود.

۴ - وجود ابیامات و سوالات اساسی نسبت به حاکمیت آینده و بلاتکلیفی مردم در حق تعیین سر نوشت خود و تگرانی از اینکه روند موجود منتهی به حاکمیت امیریا لیسیم و بسته خواهد شد.

۵ - نداشتن انگیزه و رغبت برای ادامه فعالیت به دلیل عدم مشاهده کمترین مثبت اصولی بیسن وضعیت فعلی و حکومت عدل علوی در حدی که حتی آهنگ وجهت حرکت را بسوی آرمانهای بلند تشریح نمی بینم."

خیلی غلام و روشن، در واقع جناح شرح بسند با تغییرات کشویی در قانون اساسی - که دستور

آنها خمینی قبل از مرگ ما در کرده است - مخالفت کرده و اساس رژیم را زیر سوال میبرد. پس از ما اجرای منتظری که آشکارا در مقابل خمینی ایستاده بود، شرح بسند نه تنها در مقابل خمینی و چنان نشانی آن بلکه در مقابل جمهوری اسلامی موجود نیز ایستاده است و بنا به اعتراف کربوبی تا ثرتشس مجلس "هیچکس در دوران ۹ سال مجلس این چنین جبارت به کل نظام نکرده خواهد می کند معنی از شما بندگان شما بسند نفا عت کنند که ایشان آگاه نیست، بلکه ایشان کلاما آگاه است. آنیم از حرفیائی که میزند معلوم است. خلاصه ایشان سخنگوی یک مجموعه و یک جریان و طیف است و کلاما به مثالی که اشاره میکند، آگاه است."

در رای گیری بر سر استعفا شرح بسند از ۲۴۸ نماینده مجلس ۱۸۹ نفر در رای گیری شرکت کرده و ۱۸۷ نماینده رای مثبت دادند. با احتساب دورای ممنوع ۶۱ نفر از نمایندگان بیطرف لایسی از رای دادن بر حکومت و استعفا شرح بسند ظفر رفتند.

در با بان نیز در سخنانی که مثل کربوبی میداد در پشت این "سازهای" مخالف کوچک شده "اکثر عظیمی است در مقابل برخی از نمایندگان ساد لودبیر و کاسه، داغ ترا از آن که مجلس را تلویغ کرده و خواستار اخراج شرح بسند بودند، جانب احتیاط و حیلگی را نگینداشته است و خواهش کرد که "آقایان آرام باشند و احساسات خود را کنترل بفرمایند. ما به تدریس درستی عمل میکنیم که مسئله خاصی نباشد. بگذارید همان چیزی را که دیگران میخواهند، اتفاق بیافتد کسی که این حرف را میزند، همین چیزها را میخواهد. بگذارید به تدریس درستی عمل کنیم."

در بی آرا من ظاهری و نگینده، موجود بعد از مرگ خمینی طوفانی است که با دهای مقدم آن در حال وزیدن و در تضاد دهای درونی رژیم هم اکنون. دور جدیدی آغاز زنده است.

وظایف رهبر در نظام اسلامی

شورای سازگری قانون اساسی سرانجام امر "رهبری" را نیز با تونیت مشخصه، طبق این قانون وظایف رهبر عبارت است از: ۱- تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص طابیت. ۲- نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام. ۳- فرمان همدیس سیاسی - نصب و عزل و قبول استعفا مقامات ذیصلاح: ۴- فقهای شورای نگهبان، عالترین مقام قضایه، رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، رئیس ستاد مشترک، فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی، فرماندهان کل نیروهای مسلح."

شورای سازگری قانون اساسی، مصوبه انحلال مجلس را که در اختیار رهبر قرار داده بود در بی اعتراض نمایندگان مجلس، پس گرفت و ایسن درخواست خا منهای بود که طی نامه ای به مشکینی عنوان شد.

با تگرانی کوتاه به این موبیات مشخص میگرد که طبق بر نامه رهبریهای هاشمی رفسنجانی، تمام کارهای اجرائی کشور در اختیار رئیس جمهور قرار خواهد گرفت.

تصمیمات دومین کنفرانس...

خلاصه قطعنامه در مورد تاسیس هزینه‌های مالی کنگره سازمان

"ما تصویب یکنوم خیر مرکزیت سازمان، سرگزاری کنگره، بانک به مرحله عملی خود نزدیک می‌شود. و این گامی است بسیار ارزنده در جهت بدو را فکندن بقایای محفلیسم و دستپاچی به سبک کار حزبی در سازمان ما ..."

تاریخ ده ساله‌ی سازمان ما نشان داده است که رفقای ما هیچگاه از فداکاری و ایثار در پی نداشتند. اما رنگ‌های رژیم‌ها هم‌مقاومت‌های، قهرمانانه، رفقای ما هستند، در کارخانه و در خیابان در بلوچستان و کردستان، هر کجا که حرکتی باشد، رفقای ما بدون ذره‌ای تردید، با حداکثر توان خود حاضرند. و بانک که وظیفه، تدارکاتی سرگزاری اولین کنگره، سازمان برعهده، ما نیروهای خارج از کشور قرار گرفته است، ما باید نشان دهیم که هر چند در شرایطی متفاوت ولی از همان خمیره ایم! بنا بر این ملاحظات، ما شرکت‌کنندگان در دومین کنفرانس سالانه، سازمان خارج از کشور به نمایندگی از طرف کلیه، رفقای سازمان خارج، ضمن استقبال از این مسئولیت، کمیته خارج را موظف می‌کنیم، بر مبنای رسمی که سازمان مرکزی تعیین کرده است (.....)، سهم هر واحد تحت مسئولیت خود را متناسب با تعداد اعضا و دیگر شرایط، تعیین نموده در اختیار آنها قرار دهیم. تا هر واحد بتواند با یکا رگیری کلیه امکانات و بانک‌ها را تاسیس، مقرر تا مدت تعیین شده تا مبنی نماید."

تدارکات سازمان مرکزی در حوزه‌های انتشارات و ارتباطات، پیشنهادی بی دریغ از کمیته‌های داخل، کردستان و بلوچستان و رادیوی صدای کارگر (رادیوی سازمان کارگران انقلابی ایران - رافکارگری) در طی سالهای گذشته - و آینده نیز - همشده را اولویت و وظائف مهم‌ترین سازمان خارج بوده، و کمیته خارج با موفقیت از عهده آنها برآمده است. هم‌کنفرانس اول و هم‌کنفرانس دوم سازمان خارج، پرداختن به چگونگی اجرای این وظائف پیشنهادی را جزو دستور جلسات خود قرار داده، رهنمودها و تصمیمات مهمی را در جهت اجرای بهتر آنها تصویب کرده است، که ما به برخی از آنها در گزارش کنفرانس دریا مکارگوشماره ۴۷ اشاره کرده ایم.

دومین کنفرانس سازمان خارج با توجه به تصمیم یکنوم کمیته مرکزی سازمان مبنی بر سرگزاری کنگره، سازمانی و اینکه سازمان خارج با لحاظ با موقعیت و وضعیت ویژه خود می‌باید بخش مهمی از تاسیس تدارکات و هزینه‌های کنگره را برعهده گیرد، در تنظیم الوبت‌های برنامه، فعالیت مال آنی، نه تنها انجام این وظیفه را جزو الوبت‌های خود قرار داده بلکه اختتامی نیرو و بودجه به امور آن منطقه‌ای سازمان خارج را به ملزومات تدارکات کنگره مشروط نمود. کنفرانس سوم در مورد چگونگی تاسیس هزینه‌های کنگره - آن بخشی که برعهده، سازمان خارج است.

داشته اند، انگشت گذاشت و تک اعضا سازمان خارج را به سازمان‌دهی موثر و فعال هواداران در بحث‌های مربوط به کنگره و شرکت فعال در ایجاد امکانات سرگزاری موفقیت آمیز آن موظف نمود. پس بر دو موفقیت آمیز تاسیس تدارکات و هزینه‌های کنگره غیر از طریق فعالیت دسته جمعی و حوزه‌ای، در کربلاش و بانک و افرادی وفاداری هریک از اعضا سازمان در تاسیس سهمیه تعیین شده است.

قطعنامه‌ی ویژه‌ای را صادر کرده و کمیته خارج را موظف به اجرای آن نمود. غیر از آن بخش از هزینه‌ها که کنفرانس بصورت مشخص برعهده حوزه‌های حزبی سازمان خارج نهاد، بر سر بیج و حمایت مالی هواداران و دوستداران سازمان تا کبدن نموده و سایر کمک‌های مالی و حمایت‌های بیدریغ و گسترده، هواداران و دوستداران سازمان که تا بحال نقش بسیار ارزنده‌ای در تاسیس و توسعه آن داشته، فعالیت انضباطی سازمان از جمله تاسیس رادیو صدای کارگر

تقلیل میزان تولید

مدیر عامل سازمان صنایع ملی ایران طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام نمود که میزان تولید ۲۵٪ واحد تولیدی تحت پوشش این سازمان به نصف تقلیل یافته است، و علت را عدم تخصیص ارز مورد نیاز برای تامین مواد اولیه و ماشین آلات ذکر نمود. وی همچنین متذکر گردید که میزان سهمیه ارزی این سازمان از ۱/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۱ به ۵۸۰ میلیون دلار در سال جاری کاهش یافته است. این کاهش تولید در برخی زمینه‌ها حتی منجر به تعطیل کارخانه و اخراج کارگران گشته است.

گروه حقوقی بالاتر برای آخوندها

مزیت طلبی آخوندها دیگر چیز تازه‌ای نیست تا از نظرها پنهان بماند، قبل از این نیز، چند هفته پیش دولت تمام آخوندها را سبک کرد و بدین ترتیب هر روز امتیازات ویژه‌ای نصیب این فسرینسوران اربابان رژیم قرار می‌گیرد. بقول مردم، بازاری و آخوند تنها بیروزدگان در انقلاب هستند. طبیعی است که موقعیت و یا با همان روز به روز رژیم فقها مستحکمتر گردد.

سازمان امور اداری و استخدامی رژیم فقها اعلام نمود، "روحانیونی که دارای تحصیلات حوزه‌ای بر اساس اطلاع ارجح ارزیابی مشاغل مدیران باشند، مستواً آنها را متبناً برای برخورداری از این بر اساس این طرح آخوندها که در ادارات و مراکز دولتی مشغول بکارند" میتواند شندها کند. ۲ گروه بالاتر از گروهی که شرایط آنها دارند، ارتقا یابند."

آمار کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور

مرکز آمار ایران با انتشار نتایج آمارگیری از کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور، اعلام نمود که ارزش افزوده این کارگاه‌ها در سال ۱۳۶۵ معادل ۹۴۸ میلیارد ریال است که نسبت به سال قبل ۵ درصد کاهش نشان میدهد.

طبق این آمار در سال ۱۳۶۵ ۱۳۲۷ کارگاه کارگاه صنعتی با دو کارگر و بیشتر در سطح کشور فعال بوده. اندک‌کمیت به سال قبل ده درصد کاهش نشان میدهد. از کل این کارگاه‌ها ۵۲۲۷ کارگاه توسط بخش خصوصی و ۹۰ کارگاه زیر نظر دولت اداره میشوند. در این مراکز کللاً ۵۸۹ هزار نفر به کار اشتغال داشته اند که حدود ۲۸۴ هزار نفر آنان کارگر و ۷۵ هزار نفری کارمند بوده‌اند.

تعداد دانشجویان کشور

در مقایسه با گروه‌های مختلف رشته‌های تحصیلی ۵۲۰ هزارتن (۲۵/۵ درصد) در گروه مهندسی ۵۰ هزارتن (۲۲/۳ درصد) در علوم پزشکی و بهداشتی، ۲۸ هزارتن (۱۳/۵ درصد) در گروه علوم تربیتی و تربیت معلم ۱۷۰ هزارتن (۸/۲ درصد) در گروه علوم انسانی، مذهب و الهیات و بقیه در رشته‌های دیگر به تحصیل اشتغال دارند.

در سال قبل همچنین ۱۵۹۵۰ نفر کارآموزی در مراکز آموزشی مشغول بکار بوده‌اند که از این تعداد ۹۰۷۱۰ تنی تمام وقت، ۱۲۰۳۰ تن نیمه وقت و ۵۶۷۰ تن بصورت حق التدریسی بوده‌اند. از کل این تعداد ۲۶۵۴ تن از زنان تشکیل میدادند.

طبق آماریکه اخیر از سوی مرکز آمار و سرنا سه ریزی آموزشی انتشار یافته، در سال تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶ ۹۲۳ دانشگاه و موسسه آموزش عالی کشور جملاً ۲۰۴۸۶۲ نفر مشغول به تحصیل بوده‌اند. بر اساس آمار ارائه شده ۲۹ درصد از این افراد (۵۸۹۲۹) زن و ۷۱ درصد (۵۸۹۲۹) مرد هستند. از این تعداد دانشجویان کشور ۴۱ هزار نفر (۲۰ درصد) در دوره کاردانی، ۱۲۹ هزار نفر (۶۲/۸) در دوره کارشناسی، ۷۰ هزار نفر (۳/۳) درصد در دوره کارشناسی ارشد و ۲۷ هزار نفر در دوره دکتری مشغول به تحصیل هستند.

آزادی احزاب به شیوه اسلامی

اعدا مده نظا می

طی اخبار منتشره از طرف رژیم، افسرارش بد جرم مخالفت با نظام جمهوری اسلامی، روز ۱۹ تیر ماه اعدا مگشتند.

این خبر در حالی انتشار می یابد که چند روز قبل از آن نیز سه نظامی دیگر به جودهای اعدا م سیرده شده بودند. بر طبق همین اخبار ۴ عضو واکو مد غیرنظامی نیز طی هفته گذشته اعدا م شده اند. این اعدا میا در شیران، اصفهان، زابل و مشهد صورت گرفته است.

عروس در غسا لخوا نه

هفته اول پس از اتمام ماه رمضان در نورآباد مستثنی، با ساداران اسلام، عروس و دامادی را به زور به غسالخانه برده، جنازه ها را به آنان نشان دادند. علت جشن و سرور، رقن ویا یکوسی و شادی در شب عروسی آنان بود. با ساداران که از ترس جمعیت انبوه در عروسی، جرات مدا خله پیدا نکرده بودند، روز بعد عروس و داماد دنگون بخت را دستگیر کرده، برای یادآوری روزمرگ و عجزا شیل، آنها را به مرده شور - خانه شهری برده و جنازه ها را دانه به دانه به آنها نشان دادند. عروس از شامائی اجباری این صحنه، حالش بهم خورده و به بیمارستان منتقل گردید. دکترها میگویند که احوالت روانی پیدا کرده است. خبر اقدام جنایتکارانه، با ساداران رژیم تیبیکار به شکل وسیعی در شهر پیچیده و خشم و نفرت و انزجار اهالی را انبوه تر کرده است.

گسترده ای داشته و دارد، "فدا شیان سلام" که توسط محمد مهدی عبد خدائی اداره میشود، و "کاسنون هنرمندان و نویسندگان ملجان" که ملایک سازمان غیر سیاسی است.

لازم یادآوری است که بیش از ۶۰ سازمان و حزب سیاسی، در چرخه ای قانون اساسی تقاضای فعالیت نموده اند.

عملکرد ۷ ساله کمیته ها

بر طبق آمارهای کد ریست و سومین شماره مجله "کمیته" ارگان "کمیته انقلاب اسلامی" انتشار یافته، تاکنون ۸۰۰ نقطه از "مناطق آلوده" در سطح شهرستانها توسط این کمیته پاکسازی شده و جمعا ۹۰۰۰ نفر متاثر از ۱۲۰۰ نفر قاچاقچی دستگیر شده اند. بر اساس اطلاعات منتشره در این مجله در اجرای ما نور" و "العدایات" کد ریست ما گذشته صورت گرفت ۱۸۵۰ نفر از نیروهای کمیته شرکت داشتند که این عده در تیش از ۳۰۰ نقطه از شهرها و جاده ها بصورت سیار و ثابت حضور داشته و در همین حال عمل گشت در جاده های بین شهری و روستا ها برقرار بود.

تهران گران ترین شهردنیا

تهران که در سال گذشته بعد از توکیو و واکای ژاپن، سومین شهر گران دنیا بود، امسال به مقام نخست ارتقا یافت! ژانسن "تجارت بین المللی" با توجه به میزان هزینه و بیاهای مواد غذایی، اسوازم منزل، خدمات احتیاجی و بهداشتی، پوشاک، حمل و نقل و... این ارزیابی را ارائه نموده است. این آژانس گرانترین شهرها و رمانه را پس از تهران تل آویوا اعلام نموده است. اسلوبا بیخت نیروزگران - ترین شهر اروپا و واکا را کاس ارزانترین شهردنیا اعلام شده است.

چهل روز غذای مجانی!

از فردای مرگ خمینی رادیو تهران خبر داد که به عزاداران غذای مجانی داده خواهد شد و آنانی که از شهرستانها می آیند، جای خواب نیز خواهند داشت. پس از اعلام این خبر کار میونهای حامل غذا راهی بهشت زهرا شدند تا آنچه را که در بازارهای تهران مشکل و به زحمت گیری می آید در اختیار عزاداران قرار دهند. کار میونهای نان، تخم مرغ و... تمامی نداشت.

هنوز چند روز از مرگ خمینی نگذشته بود که معاون شهرداری تهران به سمت اولین شهردار بهشت زهرا معرفی شد. شهرداری که می بایست ۶۰ هکتار زمین مزروعی اطراف قبر خمینی را به صورت یک زیارتگاه امکان سازی کند، از اولین اقدامات شهردار جدید این بود که اعلام نمود: تا چهل روز به عزاداران خمینی، درگرده قبر وی غذای مجانی شامل شام و ناهای را خواهد داد.

با گذشت نزدیک به یکسال از هیاهوی تبلیغاتی رژیم در باب آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، هفته پیش اعلام شد که "چهار گروه، از وزارت کشور اجازه فعالیت بر اساس قانون احزاب گرفتند". چهار گروه نامبرده عبارتند از "جمعیت زنان جمهوری اسلامی"، "جمع روحانیون مبارز" که احتیاج به معرفی ندارند و بدون اجازه نیز تاکنون فعالیت

آب نیز جیره بندی شد

با بالا رفتن درجه گرمای نقاط مرکزی ایران و بروز خشکسالی در این منطقه، آب تهران جیره بندی شد. جیره بندی آب در حالی صورت میگردد که برق نیز هنوز جیره بندی است. هم اکنون برخی از نقاط تهران در طی شبانه روز فقط چند ساعت آب دارند و در آب تهران اعلام نموده است که با توجه به ادمدا شتن درجه گرما، هم اکنون "میزان ذخیره مخازن سازمان آب تهران بشدریج کاهش یافته است" و طبیعتا است که آب "بحران روز به روز افزایش خواهد یافت". کمبود آب علاوه بر مصرف خانگی خسارات جبران ناپذیری را بر کشاورزان استان مرکزی و قزوین تحمیل کرده است و بخش وسیعی از کشاورزی متاثر در استانها بودی قرار دارد.

گنبد طلائی برای قبر خمینی

با مرگ خمینی، باخا ذی جدیدی نیز به بیانه ساختن مقبره برای وی آغاز شد. در ادارات، کارخانه ها شما زجمعها و خلاصه هر کوی و برزن صندوقهای جدیدی جهت جمع آوری امانت پیدا گردیدند. درکنسار یا تکبای ملی صندوق ویژه ای نیز به جمع آوری طلاهای اهدائی اختصاص یافت و خلاصه رژیم تصمیم گرفته است از پولها و طلاهای جمع آوری شده، برای قبر خمینی یک گنبد طلائی به قطر سیزده متر بسازد.

پس از مرگ خمینی رژیم با یک رگبری هفت هزار کارگر که به طور شبانه روزی مشغول بکار بودند، پس از چهل روز موفق شده ۱۶ هکتار زمین اطراف مقبره و همچنین گنبد موقت را آماده نماید.

لازم به تذکر است که کل مساحت در نظر گرفته شده برای محوطه سازی ۶۳ هکتار می باشد. محوطه سازی و ساختن فعلی بارگاه، موقتی و صرفا جهت برگزاری چهلم خمینی آماده شده است.

از طرف دیگر رژیم برای برگزاری مراسم چهلم خمینی با اقداماتی گسترده به سیخ نیرومدا در ت ورزش، برای ابتکارا توپوسیای ویژه و مجانی از شهرهای مختلف به مقصد تهران حرکت کردند. قطارهای هواز، مشهد، قم، تبریز و برخی دیگر از شهرها در این روز مجانی اعلام شد. قسمتیای اصلی شیرتیران نیز قابل تردید برای مسائل نقلیه اعلام گشت. هتل، چادر و غذای مجانی همچنان، چون چهل روز گذشته برقرار بود و خلاصه رژیم از شما مکانات استفاده کرد تا شما بد مراسم بتوانند "با عظمت" انعکاس یابد.

زنی در نیشابور به جرم فحشا سنگسار شد

نیشابور - خبرنگار کیهان: زنی به جرم فحشا و قوادی به حکم دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان نیشابور سنگسار شد. به گزارش خبرنگار ما وی که بانوشهر بانورشوانی معروف به فخری رضوانی فرزند علی نام داشت در پی کشف یک شبکه فساد و منکرات دستگیر و از سوی دادگاه انقلاب اسلامی نیشابور محکوم به سنگسار شد که حکم صادره پس از تأیید دادگاه عالی قم، توسط مردم پس از اقامه نماز جمعه در محل استادبوم تختی نیشابور سنگسار شد.

پاپام کارگر هم کاری کنید!

معرفی و نقد کتاب



مسلّم (داستانهای گزارشگونه)

نوشته مسعود نقره کار

مسلّم (داستانهای گزارشگونه)

نوشته مسعود نقره کار

۷۴ صفحه

چاپ اول، تیراژ ۵۵۰

انتشارات کاوه، آلمان غربی "اُفن باخ"



"مسلّم"، نخستین مجموعه داستانی است که اخیراً از مسعود نقره کار منتشر شده است. پیش از این

کتاب، وی رسالتهای در زمینه‌ی مسائل پزشکی و برخی

موضوعات مربوط به آن انتشار داده که هم‌درمالات

منتشره و هم‌بند داستان از هفت داستان گزارش -

گونه‌اش در مجموعه‌ی "مسلّم"، گویای حرفه‌ی پزشکی

اوست. مجموعه‌ی "مسلّم"، تا بلوئی است مشتمل بر

هفت تصویر مستقل اما با زمینه‌ی یک رنگ - رنگ

کیودوتیریه اندوه، که فقر و بیماری و مرگ، وجوه

مشترک و اصلی هر هفت قسمت اند. تا بلوئی که نه به

خیال، برداشته شده، ندرنگی یا عنصری در آن برای

جلب نظر و توجه بیننده، به اغراق تصویر گشته و نه

املا نقطه‌ی کارنویسی در آن‌ها می‌بینی. نقاش

این تا بلو خواسته است، زندگی را درست آنطور که

هست، برتا بلوایش نقش زندگی گمانی را که هر

روز، نه با چگونگی زندگی روزمره، که با چگونگی

مرگ روزمره و برپوشیدن داستانها، گزارش بخشی از

روابط مسعود است با مردمی که بر "مرکز بررسی و تحقیق

بیماریهای پوستی" - پیش از انقلاب، و بیمارانستانی

در آبادان - پس از انقلاب در جریان جنگ، و نیز

بیمارانستانی سوانح سوختگی در سالهای ۵۴ و ۵۹،

برای مداوا و مراجعه کرده اند یا به این مراکز آورده

شده اند. و این مردم کیانند؟ از زبان فاطمه بشنویم،

تونلی به هر کسی که می‌آید، به بیلبچه با آفتاب بدی تا بیلبچه روپر ملاط، تحویل بده، به جون عباس مکسو راست می‌گم". مسعود، خود، می‌گوید: "مسلّم با خواهر ۱۲ ساله و مادری بیروشنگمستان زندگی می‌کرد. آلودگی ساخته شده از حلبی، حصیر، چوب و گاه گل، بهشت باغ بی سیم، توی تپا باغی شترخان سریناهشان بود. بچه‌های سن و سالدار تر به حرفت آورده بودند: از قوجان او مدم، شیش کلاس سواد دارم، بیگاری ویسی کسی راهی تهر و نم کرد، اینجا خیلی بی جا شوی و بیگاری می‌کشیدم تا بالاخره آلودگی پشت باغ بی سیم دست پا کردم. خرج خودمو، ننه پیر و خواهرمو از اشغال گردی، جواب گردی و گه جمع کنی درمی آرم. قبلاتسو سا ختمونای نیمه سوم مناسقات توتیرد و قلو زندگی می‌کردم، اما چاره‌ای نبود، باید از اینجا می‌زدم بیرون خیلی تنها شیم، کمی با ما نمی‌جسته، همه از مسادر میرن، حتی براکا رمه... از کارم بد می‌یاد اما چاره‌ی دیگه‌ای ندارم". (مسلّم، صفحه ۱۱).

و از زبان تقی در آبادان می‌شنویم که: "می‌بینی چه زندگی گه گرفته‌ای دارم. زور بیگاری از ایران نمهر (محلای در تهران)، کشوندیم اینجا، با زن و بچه، تا او مدیم نفس تازه کنیم جنگ شروع شد. زن و بچه رو راهی تهر و نم شون کردم، آلاخون و آلاخون، خودم اینجا، معلوم نیستی اجل کی سراغمون بیسار... گاه می‌فکر می‌کنم این قوم بونی همدل، هیچکدوشون هیچوقت روز خوش نداشتم". (تقی - ص ۴۲)، تصویر رنج و درد زرف و روزمره‌ی این مردم اما همیشه با غرور و صلابت خاصی همراه است که تا از خودشان نباشی، مطلقاً درک این غرور و زیبا برایت امکا نپذیر نیست. و مسعود، چه خوب، زیبایی این غرور را تصویر کرده است: "میدونم تعجب می‌کنی آقا دکتر، اما من چاره‌ای ندارم، مرض من عصبی ویسی خوابه، من نمی‌تونم جای دیگه‌ای برم. توی گودهای بهشت درمونگاه، آلودگی نشین ام، ده روز بیگاری می‌سامم و الیوم می‌گیرم، امروز، اون آقا دکتر موسفیده نیست گفتن اگر امکان داشته باشه زما بگیرم". آرام و شمرده، بی کمترین التماسی، حرف می‌زد. کم حرف و محجوب بنظر می‌رسید و غرور، وقتی فشار خوش را می‌گرفت با تعجب و شگفتی زده زیر لب دعای می‌کرد، گویی تا بحال کسی اینقدر به او محبت نکرده بود. با زمزمه‌ی دعاها می‌گفتند که چندان هم برای من غریب نبود، رفت". (غمگده‌ی رنج آباد - ص ۳۲).

این غرور و زیبا را برجسته تر در محمد می‌بینیم. بلوچی که برای خدمت اجباری، دستگیرش کرده اند و با بدما بنده‌ی پزشکی شود: "غیر از شگفتی دست و پات، تا را حتی دیگه‌ای ندای؟" نه عملگی می‌کردم، از بلنندنا فتادم، به ماه همیشه. صدای جناب سروان که سعی می‌کرد فقط به گوش جناب سرگرد برسد را شنیدم: "دروغ می‌گه ما در قصبه چون می‌ده برای دژبانی، این آقای دکتر هم غیب گو شده، بدون اینکه عملگی گرفته باشه، دست و پایی با با روشتم".

صد کردم چیزی بگویم اما حرفم را خوردم، محمد

هم‌زیادتی جوشید، منت اینک به بیگاری شده بود، دوستی انا فک تا زما ز تو گوید برای خودش وزن و بچه‌ش دست و پا کرده بود، من گاهی اوقات به او ناسرم می‌زدم، با من کب می‌زد، از بیگاری کلافه بود... دیروز نزدیکای ژنر، جیغ و داد زدنش، گوید و لرزوند، خیلی از همسایه‌ها سرا سیمه بطرف خونده شون دویدن، من هم می‌نظر. جلسو یکی از انا فک ها روی زمین سجده کرده بود و زار می‌زد، آنقدر موها شوکتیده بود که دستاش پرازم بود... یکی دو تا از همسایه‌ها به نگرش داشتن تا خود شونا قسص نکنه، منم رفتم سمت انا فکی که دوش نیمه با ز بسود، با حضرت عباس (محرای کربلا بود، دو تا بچه مست پنجه آفتاب به گوشتی انا فک افتاده بودن. آقا خسرو هم طرف دیگه، انا فک خوخن لرش کرده بود، بعد از معلوم شد آقا خسرو اول بچه‌ها رو خفه کرده و بعدش رنگ خود شوزده... اونا از این زندگی سگی را حجت شدن، اما بیچاره زنده، دیشب آوردمش پیش خودم... نمی‌دونی آقا دکتر چی می‌گفتم، خودم دردم کم بود، اینم اما فاشه شد" (غمگده‌ی رنج آباد، ص ۳۲ و ۳۴).

و نیز جزا میانی که در آبادان و در پاتخت پسر تلاطمش، تا به کمتر کسی از وجودشان خبر داشته باشد اما انبوه انبوه آنها را در تنها مرکزی که به آنها "رسیدگی" می‌کرد: "مرکز تحقیق و بررسی... هر روز میتوانستی دید که در انتظار ملاقات "آقا دکتر" از ساعت ها پیش از طلوع آفتاب، در مقابل ساختمان مربوطه، جمع می‌شوند و همه‌تان هم بلا استثنا از درون لای ولجن جوی‌های جنوب شهر و حلبی‌های آلودگی‌های گودها بیرون می‌آمدند: "از موقعی که فهمیدن جذامی هستم، فامیل و اهل محل، ترکم کردن، نمی‌دونم این چه درد بی درمانی بود که قسمت ما شده. آرزوی اینکسه به با رنوم رودرست و حسانی بیغل کشم و به دلم موند، می‌ترسم مبتلا بشه". (غمگده‌ی رنج آباد - ص ۲۵)

و با خود مسلم، که در دوره‌ی کودکی مسعود، ظاهرًا هم محل بوده‌اند، در یکی از آلودگی‌های حلبی ساز، زندگی می‌کند، و شغلش، جمع کردن مدفوع آدمها از کوچه‌ها و خیابانهاست. مسعود، بریده‌هایی از شوخی روزمره‌ی بچه‌های محل را با مسلم، در نخستین داستان مجموعه‌اش، آورده است. برای نمونه: "من مسلم شنیدی؟ می‌گن شهرداری می‌خواهد تسوی میدون خراسون، مستراح عمومی بزنه، کاروگا سیات حسابی کسا همیشه، اما من مسلم بدنیم... شهرداری استخدا می‌بشی، مستراح پا کشیدن و آفتابه - داری شغل بدی نیست، تازه وقتی اونکاره شدی می -

از صفحه ۱

عکس العملی از خود نشان نمیدادند. درصفا تویوس هنوز خیلی ها از واقع خبرند! شنیدم حتی راننده های تویوس وقتی از مردم شنیدند که جدا تفاقا افتاده کا ملاحظه سردیدون هیچگونه کلامی به حرکتش ادا میده داد. توی ا تویوس برخلاف همه ها هیچکس حرفی نمیزد انگار همه با هم قهر کرده بودند. صدالی خالی شد و کنار بمرمردی که جرت میزدنشستم، بنیت سرم دود خسترو دانش آموز که عازم مدرسه و جلسه امتحان بود نشسته آخرین مرورها را برکتاب و جزوه میگردند. بسیاری اینکه اس نکوت معنی دار را با گونه سنگین تا سر آغاز صحتی شوییده عقب برگشتم و با صدای بلند از زدن ختران دانش آموز میسیدم مگه امروز مدرسه تعطیل نیست؟

زیر لب چیزها می گفتن. چند نفر همه به تماشا سهای آنها ایستاده بودند ما با سرین سرعت و با نوعی احتیاط با مشغول رفت و آمد بودند. چند دقیقه بعد وقتی دیدند که دیگر کسی به حملتان نمی بیوندد ما شعار عز، عزاست امروز، روح خدا، بیش خدا سست امروز سمت مسجد راه افتادند. از ساعت ۸/۵ به بعد وقتی اطلاعیه مشترک سردمداران ۲ نفری رژیم از رادیو بیخ شنیدیم با زدها سرینا کر کرده خود را با کسین کشیدند و حتی در قهوه خانه های عده های مشغول خوردن صبحانه بودند دیگر کسی را راه نمیداد و از مشورتش سخاوت سرینا بیرون بر و نود و صد مدام التماس میکرده که زود ما شید، من حوصله در دسترس

عزاداری مجرم بیشتر نفرات این تحمنا تحسند، کمی دورتر در سطح شهر و خیابانهای اصلی اما کن تحراری صنعتی همچنان بسته اند و تنها در کنار ادارات دولتی و شرکت های بزرگ با نصب پرچم سیا و ویلاگا رد تلبیب عده ای مسلح و شخصی دیده میشوند، با زار کلان تعطیل و تقریباً بخش کوچک ویرا کننده ای از آن سیا پوش شده است. داد و ستد دستفروشان در حول و حوش آن کاملاً جریان دارد. خیابان ناصر خسرو با توق و مرگ و عمده سیگار و رود و همچون روزهای معمولی ملبسوار جمعیت است که فغان از محیط به خرید و فروش و جک و جاندزدن مشغولند. در قهوه خانه ها شلوغی کنار میز مردم مرتب و عینکی ای نشستم، ضمن تعارف سیگار به او

نامه ای از ایران:

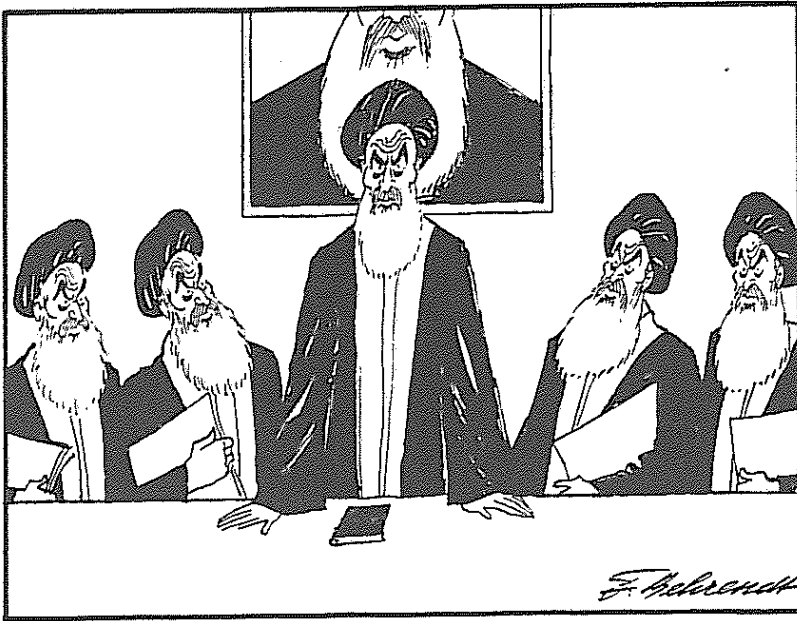
حال و هوای تهران در مرگ خمینی

یکی از آنجا گفت ما امتحان داریم. نمیدونم چی شد شما از ادب و چیزی نشنیدی؟ بجای من مسرد جوانی که ایستاده بود گفت نه هیچ چیز نگفت فقط بسام حمد خمینی رو خونند و ادا میده دکه حتما تعطیله ما هم همین جوری داریم میرسیم فکر میکنم کار هم تعطیل باشه. بپیرمردی که کنار من نشسته بود گفت ای دنیا به کی وفا کرده؟ همه با بدیریم. من گفتم آره ولی اگه آدم اسم خوب از خودش باشی بگذاره خوبه. هیچکس حرفی نزد و سکوت همچنان حاکم بود نقطه دو دختر دانش آموز با هم بیج میگردند یکیشون میگفت خدا کنه عقب نیفته منکه خیلی خوندم اگه بیفته عقب خراب میکنم. آخه این وقت کسرا ورد مسرد؟ و دیگری آهسته خندید اما دوستش گفت هیس نخند. مده مردم به چیزی میگن. در نیمه راه از تویوس بپاده شده و به یکی از شیرکینای برجعبیت جنوب تهران رفتن اکثر دکان دارها با حالتی یلانگلیف جلوی مفازه های خود جمع شده و آهسته آهسته صحبت میگردند. صاف تا نواشیا انقدر شلوغ بود که مردم تقریباً از سر و کول هم بالا میرفتن. مردمی با صدای بلند گفت با باده خیره. مثل آدم صف بکشین تا ساعت ۱۰ شب پخبت میکنید مگه نشنیدید شب قبل تلویزیون اعلام کرد که هر چند آرد مسخوان بیان بپرن کمیته هم الان بسا ما شین گشت آدوبه نونوا سفارش کرد. کم کم محطینی که به مدرسه رفته بودند با میگشتند. به تعداد فرازی که لباس سیا پوشیده بودند در لحظه افزوده میشدند. سیگار فروش جوانی که لباس سیا پوشیده بود سیگار شیراز ۵۰ تومن میفروخت وقتی از او پرسیدم از کی گرون شده خندید و گفت از همین بسا عت بینا گرونتر هم میشه. گفت ما لاجرا سیا پوشیدی با لیخنه گفت همین الان رفتم خونه عوض کردم آخه دیدم خیلی هسا پوشیدن ترسیدم از مگرز بگپرن. امروز از آن روزها است که زاغ سیا آدمو میزنن. برود دانش از مسین میشنوی پیرا هنتو عوض کن. یکی از ما جدی بزرگ شیرگ را سیا پوش کرده و ۱۰ - ۲۰ جوان و نوجوان در داخل آن جمع شده بودند. صدای رادیو از پشت بلنکو بگوش میرسید. کمی دورتر ۳۰ - ۴۰ زن چادر مشکسی و اغلب زنان مسن دور هم جمع شده و گریه میگردند و

ندارم. آقا بون زودتر همه بستند. فقط من موندم. زود ما شید، در خیابانهای جنوبی تهران افرادی که از سرکارها میگذشتند در لحظه صفا تویوس و مینسی سوسیا را طویل تر میگردند تا بی مفازه ها بحسب تا نواشیا شلوغ که مردم تنها دینبتری جلوی آنها صف میزدند تعطیل شده بود جوانی ساعت ۱۰ صبح اکثرییم بنر سبیا بپرز شلوغ بود که این وضعیت تا ساعت ۴ بعد از ظهر ادا میده است. میدان با فروشیا (شهره را) جنب و جوش هر روز را نشاند و بیشتر با نشی میوه فروشیا و سبزی فروشیا نبودند بلکه اکثر نشیهای بازاری و مشمول شهر بودند که از سر بدون میوه شدن صندوفیهای عقب ما شینهای رنگارنگشان را معلو از جعبه های میوه و کلا تره ها ر کرده و میرفتند. در داخل تویوس و طبقه ای در حوالی میدان اعدام مرد سیا پوش و شکم گنده ای دادند تا تحمه الطوات، مردم ملواتی فرستادند اما بحز چند نفر ما بریسن بنتر مرسد حوصله فاته خواندن ندارند. مسرد جوان و ریشوشی که کنار من نشسته بود بزرگانه متوجه این قضیه شد و آهسته گفت هیچکس فاته نخوند و سه خدا سیا مرزی هم برایش فرستاد.

گفتم اینجا که معدنشا بنقدر گرونه بس جا های دیکه حق دارن شیراز رو میدن ۵۵ تومن. بپیرمرد از لای عینک نگاه میبسن انداخت و ضمن برداشتن سیگار گفت مگه نشنیدی که گفته اند ما از روزی که آب از سرچشمه گل آلود باشه؟ تا زده سرچشمه خود خدایات و خود دودلته. بس از کی گله کنیم؟ از کی که بیشتر از زورنا جاری چندایکت سیگار گذاشته روی یک جعبه و میفروشه؟ گفتم خوب تا بدر هر چند سیا بن وضعیت خاشمه بدنهنگای محتاطانه کرد و گفت تا بد! تا بد! من برای اینکده ورا و ادا ریه صحبت کنم مجدد پرسیدم راستی خاشمه ای که فقیه نیست چطور رهبر شده و بسا اگر ارضانکده با دست انارهای به جوانی که روبروی ما نشسته بود میگرد گفت بسا شیدا بس آقا هم سوال میکنه، جوان با لباس سنا مستر ب و شلو! سر ساری اما جیره ای در هم و چشم سی منورم چند لحظه مسرا نگریست و چیزی نگفت. بپیرمرد که نتوانسته بود او را و ادا ریه صحبت کند گفت این سرادریکی از ان سراد رده. بالای سیا دیده و از وقتی جریان آفای مستطری بسا آمده و بعد شمش آفای فوت کرده مستر از چند کلمه با کسی حرف نزده و معتقد به سیا و برای منتظری نوبلته شده، خاشمه ای و رفیقان بی روابلا قبسول ننداره و آهسته ادا میده! دخا شیش خودش جوان دلسوز و با کبایزید، خیلی ها میکن بیرون کردن، بعضی هام میکن اختلال حواس پیدا کرده، خودی که زیا دحرف نمی زنه آدم بیخه جریان جی بوده و ادا میده ادا بسا صدای خفه ادا سارا در راست میکی خاشمه ای نه تینیا فقه نیست، آیت الله هم نیست به شهادت الله گویش آخه برای آیت الله شدن باید به مقدار بیشتر درس خونده بسا و ا لاهر کسی که بتونه خوب حرف بزنه که همیشه آیت الله تازه ارتش که نیست بهش درجه افتخاری بدن، خلاصه از زور بیسی اینکا رو کس بردن چون اون نوی مردم از همد شناخته شده تره.

در آ تویوسی که سمت شرق در حرکت بود در آخرین ردیف کنار مرد مسن و شیک پوشی که به همراهش بسک



حسب توت فرنگی و یک حبه کبلاش داشت و در سفر جوان که سر تا بالاسن ساهوشده و هر یک تعدادی بوستر لوله تنده در دست داشتند ششم، توبوس نسبتا خلوت بود. جس زدم که جوانها از مطلی بر میگرددند، بسرای همین از یکی از دو جوان سباهوش برسدیم، تواسن آفتاب رگرمایطور میخوان حنا زه روتا فردا بذارن شو مطلی؟ یکی از آنها سالیجه: شمالی گفت مگه از تیر تلوزیون ندیدی؟ توبه و سربین شده ای گذاشتن که از زیر به سرخونه و مله مثل بیخالی تبا بیا با قناد ها، نهدا برسدم، سن جمعیت که میره اونجا همسه میسون ببینند؟ گفت آره ازیک در میان واردردنگ بر میگرددن و حنا زه هم در سندی قرار گرفته اکثرای می بینند، بس راجع به رهبری خا منهای برسدیم و اینکه فلانی که نقیه نیست ولایت فقهی طور مشه؟ بجای آنها، مرد خوش بوش و لیسرالی که کنایه رسا نشسته بود گفت واقعا که انتخاب بسا خوبی بود ایشان هم تجربه، سیاسی دارن و هم علم اجتیه ایو فقا هت را با هم؟ جوان سباهوش دیگر در تکمیل حرف وی گفت دیشب را دیوون تلوزیون اورا آست الله خطاب کرد، احتمالا خبرگان بک در حیا ایشان داده اند، از آنها برسدیم از شهرستان آمده اند؟ یکیشان گفت نه ما کارمندار شادیم ما از شهرستان ها جلیسی آمده بودند و قراره که تا فردا تومدارن و مساجد از آنها بدیاری بشه، چند لحظه بعد آن دو گفتگوی مختصر و درگوشی با هم کرده یکی از آنها ضمن ورا انداز کردن دقق سن گفت ممکن قراره روحی از کردستان حمله کنه؟ بجای سن مرد لیسرال جواب داد غلط کرده همین مردم خفشان میگنن، مرتکبه، احمق مزخرف، من با سوز خند گفتم از حنا فتاوتنا بعد سمت تاسد با زهم بخوان انفضا جدیدی بیارن، صحبت سن که بیشتر میرسد تا حدی بدستی آسپار که ناشی از سولاتی در پی بود سیر طرف کرده با چند فحش آبدار مرد لیسرال تکمیل شد و آنها بوسترهای لوله شده در دست خود را کشودند، دوسوع بوستر خمینی از عکسهای سال ۴۲ وی که یکی از آنها توسط کمیته و دیگر سوری توسط ارتش دستخوش شده بود، سن عکسها را نشان کرده شد آنها داد ما مرد لیسرال با اشتیاقی تصنعی خواهان دریافت دوعده از آنها شد که دو جوان سباهوش با اگر ا بوسترها را بسوی دادند در حالیکه بسسه حبه سوه و که حداقل چند هزار تومان بولش میشد زل زده بودند.

در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر در یک ماشین شخصی که در حیا با شپای جنوب تهران تنها با سه مسافر حرکت میکرد، با راننده جوان و دل زنده، آن هم محبت شدم، وقتی او گفت چه خوب بود همیشه خبا بانهای تهران اینطور خلوت باشه، گفتم آتوقت با بد همیشه تعطیل عمومی باشه، با خنده گفت بهتر، بذارن همین و طرفدارا تون برن مطلی و بقدر احتیاج باشن، جوانی که به اتفاقا بجایان مسافر دیگر ما تین بود گفت نه یک دفعه همه شون بمیرن و ما سکا رگلی تعطیل کنیم بعدش راحت زندگی کنیم، ما فرسوم که مسرد مسانمایی بود گفت کجای کاریدان تا زه به جویون رو گذاشتن هر کجا حالا حالا نمیره از شنبه روزا زنبو روزی از نوبت، راننده گفت ولی اینطور نیست حالا تا بد اولشه اینطور نشون میده، فعلا که خیلی شیرینو شره، و سر رشته، امروزت خا منهای نیست به علامه چند بار از زا دیو عوض مینه معلوم نیست کی تصمیم میگیره، سن فکر مسکنم تا انتخابات همینطور باشه، مردمانا مال گفت نه عزیزمن حالا می بینی که اینا تا چیل روز چطور از مرده، با با استفا ده کنن بعدشم که محرمه، خدا بدونه چه گنبد با رگا هی براتن بسازن، راننده گفت یا قم می برن با مشهد مردم ما مال گفت نه هیچ جانی برن فکرمی کنم همین حا توقطه شد نهاد دفنش کنند، بهترین جا اینجاست، یک زیارتگاه مشه مثل ما بر ما مزاده ها خا لاخوا هم دید، عصر روز دوشنبه شانم برای وادار کردن مردم در صفیای نان، قیوه خا نه ها به صحبت عملا بی نتیجه بود تنها نسر د مخاطب سابی حوصلگی جواب کوتاهی میدا دو سابرین با خوشمردی و احتیاط کامل هیچ چیز نمی گفتند به عبارتی در این دوروزه جو عمومی مجامع و محافل مردمی جای هیچگونه تسری یک محبت و بحث جمعی را نداشت، تنها در جمعیهای کوچک دوسه نفره کسه شناخت کاملی از هم داشتند بصورت نجوا و بیخ بخ حرف هائی رد و بدل میشد آنها تهم با احتیاط و سوا س کا مل.

برنا مریزی کرده بود و چند بار هم از ادب و تلوزیون تکرار و ملاحظه ما ما مورس انتظامی که؟ حالا نمی دونم چرا از سی جمعیت زاده کنترل از دستشون دور رفت، زن سن و شک بوشی که کنایه رمن در جلسو نشسته بود گفت خود من با سجه های محل رفتن بود مطلی میگفت محبت عموفا کرده اما سباهیبا زساد نبودند مثل اینکه کم کم سباهوردارن کنایه مرنن سباهمیس روزها لاسن او با ارتش یکی نشسته راننده گفت نمیشه که همجوروزی نشان تا بد بیشتر بالاسن نخعی اند، سباهید، سن گفتم یکی میگفت سباه آما ده با نشا بد در حای حساب دارن نکبیا نسبی مبدن مرد جوانی که عقب نشسته بود گفت ولی من سرجیا را رها خلی کشته ای ددم، واقعا هم نیرو - های سباه خلی کمه، سپهر صورت سعاد معلوم مینه حیران حید؟ ساعت یک بعد از ظهر استفا هیای اتوبوس و مسی بوسی که از انقلاب مسافرین را سمت جنوب حایجا میکردند بیشتر توسط مردان و زنانی که از مطلی بر میگفتند شغال شده بودند داخل یکی از اسن اتوبوسها یا مرد جوانی که همراهن و فرزندانش از آنجا بر میگشت هم صحبت شدم وی که را دیوی کوچکی دستر بود و ما می تابی میکردن ساعت ۴ بعد از ظهر بخونه برسه تا خا حال راحت در جریان و صحبت سباه، خمینی قرار بگیره میگفت میخوام ببینم توبو و صبت تا مدتی از منتظری زده باشه چون حقیقتا رهبری حق منتظر به حالا آقای خا منهای نمی گسیم آدم با ملاحی نیست ولی سباه خلی ها بسرای رهبری از اون بالاتر باشن، اونو همینطوری انتخاب کردن واداره مبدن، احتمالا خا منهای ناسباهه که هم رئیس جمهور و هم رهبره و میره کنایه در انتخابات هر کی رئیس جدید بشه، رهبر هم میشه مثل خلی از کشورها که بکنن روروشول میکنند، مرد جوانی که استفا ده بود و صحبتی آن مرد را می شنید گفت، نه فکر نمی کنم اینطور باشه که قراره بود آقای خا منهای سباهه دید که برکنار که پیش درجه مبدن دن اون همیشه تا وقتی زنده است مثل ما رهبر مملکت و ساهستی اونو هم داره.

اعتماد به اعتبار رگران معدن در شوروی

کنفرانس سران هفت کشور صنعتی

کنفرانس سالانه سران هفت کشور در روز ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ ژوئیه در پاریس برگزار شد. مباحث اصلی این کنفرانس، محیط زیست، مبارزه با مواد مخدر، بهداشتی کشورهای فقیر و رابطه با کشورهای سوسیالیستی و نحوه کمک به آنها بود. مورد آخر که مهمترین موضوع این کنفرانس بود، از یک نظرسنجی نقطه عطفی در روابط بین آمریکا و سایر قطبهای امپریالیستی بود. در این کنفرانس آمریکا برای اولین بار در تاریخ حیات جامعه اقتصادی اروپا، موافقت کرد که طراحی و اجرای یک برنامه مهم اقتصادی را بعهده "کمیسون بروکسل" بدهد. این اجرائی "جامعه اقتصادی اروپا" بگذارد. و آن تهیه برنامه مدون و نحوه کمک به کشورهای سوسیالیستی است. این برنامه که از مهمترین مسائل اقتصادی امروز دنیا است از این پس تحت هدایت جامعه اقتصادی اروپا پیش خواهد رفت. و این بدان معنی است که آمریکا دیگر بطور رسمی مجبور به عقب نشینی از موضوع همزیستی خود در میان کشورهای امپریالیستی شده است. و دیگر نمیتواند به تنهایی سیاستی خود را اعمال نماید. دلیل اصلی این وضع بنده مالی ضعیف بزرگترین بدهکار جهان، دولت آمریکا، و عکس توان و ظرفیت مالی بالای قطبهای ژاپن و اروپا است. بنابراین تصمیم نقش جامعه اقتصادی اروپا و خصوصاً آلمان فدرال در تعیین سیاستهای مربوط

به رابطه با کشورهای سوسیالیستی برجسته شد. کنفرانس سران نسبت به درخواست هندوستان و چند کشور دیگر برای تشکیل یک کنفرانس مشترک "شمال و جنوب" (کشورهای پیشرفته و سایر کشورها) جهت بررسی نظم نوین اقتصادی بین المللی و رسیدگی به قرضهای کشورهای بدهکار بدلیل با فشاری آمریکا با عطف داد. انگلستان اگرچه با تشکیل این کنفرانس مخالف نبود اما بر این نکته قروض کشورهای بدهکار با بیداری فتن شوند چرا که در غیر این صورت سیستم مالی و بانکی کشورهای امپریالیستی دچار اختلال خواهند شد. تا کید نمود. کنفرانس همچنین تصمیماتی در مورد حفظ محیط زیست و مبارزه با مواد مخدر اتخاذ کرد. در جو رکنفرانس سران هفت کشور صنعتی، به ابتکار رنبروهای مترقی و ضد امپریالیست کنفرانس هفت کشور فقیر متشکل از نمایندگان مستقل کشورهای فقیر و شخصیت های چپ طرفداران محیط زیست در پاریس برگزار شد که طی آن مسائل کشورهای عقب نگذاشته شده و فقیر مورد بحث قرار گرفت و این کنفرانس خواهان لغو کامل بدهی کشورهای مقروض به بانکها و دولتهای امپریالیستی شد.



دولت شوروی تصمیم گرفت که معادل ده میلیارد دلار را به آمریکا بدهد. برای مجارستان ۲۵ میلیارد دلار از جانب آمریکا در نظر گرفته شده است. در این سفرها روشن شد که دولت آمریکا بعنوان مقروض ترین دولت جهان به تنهایی توان مالی لازم برای تامین نیازهای مالی اقتصاد کشورهای مزبور و سایر کشورهای سوسیالیستی را ندارد و بخش خصوصی آمریکا نیز تمایل و ظرفیت چندانی برای سرمایه گذاری در این کشورها از خود نشان نمی دهد.

و آموزشی و نیز مشکلات محیط زیست. بر این زمین عموماً - که با بدنه باسانی عمومی اقتصاد شوروی را نیز بر آن احاطه نمود - است که اعترافات معدن - جیان در ایما دکنونی صورت پذیرفته است. آنجایی که خواستار برینا مه های اجتنامی ویژه برای مناطق خود، افزایش بهای ذغال سنگ، اختتام قسمت اعظم سود حاصل برای معارف محلی و... می باشند. کوریا جف در نطقی که بمناسبت اعتماد مزبور ایراد نمود گفت که خواسته های معدنچیان و از جمله دارنده معدن توسط خود آنها، اعمال حسابداری دقیق و اختتامی سودا لانه به معارف محلی، همگی از جمله برنامه های دولت بوده و معدنچیان می بایست با خالصه دادن به اعتماد خود، شرایط انجام اقدامات لازم را فراهم کنند. به راهی از مطبوعات شوروی در اعتماد معدنچیان، علیرغم اشراف اقتصادی متغی آن، فعال شدن بخشی از طبقه کارگر برای اهداف بیرونی و ریکاوری را دیده و از این لحاظ آنرا متعصبیت ارزی می بینند.

تولد جنبش سوسیالیستها در انگلستان

های سبز - کنفرانس بیشترین وقت خود را صرف بررسی سوسیالیسم در جنبش سوسیالیست ها کرد. اصول بلائینتیم اختلافی است از مواضع سوسیالیست دموکراسی چپ و سبزها. این جنبش به صورت یک حزب سیاسی، بلکه به صورت یک جریان در داخل و خارج حزب کارگر انگلستان قرار داده است. خلق صلاح انجمن، خروج از پیمان نظامی نا هوایی طرفی نظامی و قطع "رابطه ویژه با آمریکا" رئیس سیاست خارجی آن است. دولتی کردن صنایع بزرگ، تقسیم عادلانه ثروت و رشد اقتصادی با در نظر گرفتن محیط زیست، رئیس سیاست اقتصادی آنرا ترسیم میکنند. مبارزه برای سازماندهی شده ای و کارگری از این و ایجاد دولتی فدرال تموا ز خلق های مقیم این کشور (اسکاتلند، ولز و انگلستان) و خروج ارشش از برلند شمالی نکات اصلی سیاست داخلی آنرا بیان میکنند.

سفر بوش به لهستان و مجارستان

اقتصادی خود را حل کند. بر طبق اظهارات ناظران آگاه، بر اساس اطلاعاتی که تاکنون در مورد کنفرانس و عده ها داده شده آمریکا به لهستان و مجارستان منتظر شده است. آمریکا به این دو کشور کمک قابل ملاحظه ای نخواهد نمود. سخوی که برای لهستان ۱۵۰ میلیون دلار و برای مجارستان ۲۵ میلیون دلار از جانب آمریکا در نظر گرفته شده است. در این سفرها روشن شد که دولت آمریکا بعنوان مقروض ترین دولت جهان به تنهایی توان مالی لازم برای تامین نیازهای مالی اقتصاد کشورهای مزبور و سایر کشورهای سوسیالیستی را ندارد و بخش خصوصی آمریکا نیز تمایل و ظرفیت چندانی برای سرمایه گذاری در این کشورها از خود نشان نمی دهد.

اعتماد به اعتبار رگران معدنچیان از معدنچیان تا جبهه دوتن در آمریکا این که به خواسته های افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار و مزایای اجتماعی و نیز بهبود وضعیت عمومی خدمات و تغذیه آغز شده بود، با بیان یافت. در دیدارهایی که بین کمیته اعتماد و نمایندگان دولت صورت گرفته است، تمام خواسته های اقتصادی معدنچیان پذیرفته شد. دولت همچنین با افزایش دستمزد و نیز دستمزد نا فداکاری و شبکته شایع نمود. معدنچیان افزایش برای خواهان آنگذاردند و با معطلن با بد توسط ارگانهای محلی صورت گرفته و خواهان بر جبهه شدن دستگا سوروگرا تیک موجود می باشند. اعتماد معدنچیان شوروی از سوی رسانه های جمعی این کشور بصورت زنده گزارش شده است. بر طبق این گزارشات، زمینه های عمومی نا رضایتی معدنچیان عبارتند از وضعیت اقتصادی نسبتاً بد مناطق معدنی که بعضاً دارای پایین ترین سطح زندگی می باشند، مشکلات مسکن، امکانات درمانی

سومین کنفرانس سوسیالیست ها در تاریخ ۱۷ و ۱۸ ژوئن در شهر شیلدا انگلستان برگزار شد. اولین کنفرانس سوسیالیست ها در سال ۱۹۸۷ در شهر جستر فیلد نیز به ابتکار تونی بن (نماینده جناح چپ حزب کارگر) برگزار شده بود.

سومین کنفرانس هم با سخنرانی تونی بن آغاز گردید و وی موجودیت گروهی جدیدی را تحت نام "جنبش سوسیالیست ها" اعلام کرد. این گروهی از ائتلاف تعدادی از سازمانها و جریانها سوسیالیست دمکرات چپ تشکیل شده و خواهان دفاع از مواضع جناح چپ سوسیالیست دمکراسی در مقابل رهبری حزب کارگر، که سرعت بطرف راست در حال حرکت است، می باشد.

جریانهایی که از "جنبش سوسیالیست ها" دفاع میکنند عبارتند از جناح چپ حزب کارگر (جناح Campaign)، انجمن سوسیالیست ها، کنفرانس اقتصاددانان سوسیالیست و زنان سوسیالیست (فمینیستی چپ)، بخشی از اتحادیه ها و سوسیالیست

جورج بوش در دیدار دو روزه خود از لهستان که طی آن با رهبران دولت و بیوزیسون دیسدار نمود، اعلام نمود که وی در دیدار با سران هفت قدرت اقتصادی غرب در پاریس از آنها خواهد خواست که برنامه مشترکی برای پرداخت بدهی های لهستان به غرب تهیه کنند. بوش همچنین گفت که کمکهای آمریکا به لهستان بر اساس ارزیابی از موثر بودن آنها داده خواهد شد و مردم لهستان خود باید فعالیت اقتصادی بیشتر، مشکلات موجود را حل کنند. وی با سازش حاصل شده بین دولت و "همبستگی" حمایت کرده و از نقش ژنرال باروزسکی در این رابطه تقدیر نمود. در سفر بوش به مجارستان، وی اعلام نمود که آمریکا به این کشور کمک خواهد نمود تا مشکلات

اخبار کوتاه خارجی

سدنرال عقب نشینی حزب لیگودکه سخاوست محدودیت های معینی در مورد انتخابات در سرزمین اشغالی تعیین کند، و پس از اعلام متعلق نمودن این محدودیت ها، بحران سیاسی در اسرائیل خاتمه یافت حزب کارگرتیهد کرده بود که در صورت قطعی شدن این سیاست ایجاد محدودیت در جریان انتخابات مزیور که می باشد به تعیین نمایندگان اعراب ساکن مناطق اشغالی منجر شود، از کا بیست اسرائیل خارج خواهند شد.

دیدار سه روزه میخائیل گورباچف از فرانسه، پس دیدار رومذاکرات طولانی وی با فرانسوا میتران همراهِ بود که منجر به امضای ۲۱ قرارداد همکاری مالی، فنی، اقتصادی، فرهنگی و غیره شد، اما در زمینه مسئله زرادخانه اتمی فرانسه، دولت این کشور حاضر به تغییر موضع خود یعنی غیر قابل مذاکره بودن آن نشده است. گورباچف در سخنرانی خود در دیدار نگاه سورین دربارۀ دوران استالین سخن گفته و بر ضرورت تسویه حساب روشن با این دوره تأکید نمود، وی گفت که یکی از شرایط پیروزی پرسترویکا آتجنگستان درس آموزی از این گذشته است که تکرار مشابه آن را در آینده ناممکن کند. در آخرین مسافرت گورباچف به فرانسه، وی با نمایندگان شورای اروپا دیدار نموده و طی سخنانی گفت که عده ای در مورد تغییر سیاست با فتن ما هیت سوسیالیستی کشورهای اروپای شرقی بواسطه رفتمیهای اقتصادی و اجتماعی در این کشورها، توهم ایجاد میکنند، وی توهم مزیور را اشتباه و بی لحاظ سیاسی خطرناک دانست.

بوری ورتسلف سفیر ویژه شوروی در افغانستان گفت که در ۲۱ مناطق این کشور عملاً آتش بس برقرار و مذاکرات صلح بین دولت و فرماندهان مجلسی چریکها برای رسیدن به توافقات بلند مدت آغاز شده است، وی گفت که تنها در مناطق شرقی مجاور مرز پاکستان و بیطدخالتهای مستقیم دولتهای خارجی، اوضاع به حالت عادی بازنگشته است. ورتسلف گفت اکنون افسران آمریکائی رسماً به هدایت عملیات نظامی مجاهدین افغانی مستقر در پیشاور میپردازند.

در یک زدو خورد بین گروههای رقیب مجاهدین افغانی، ۳۵ نفر کشته شدند. در این زدو خورد که از سوی حزب اسلامی گلبدین حکمتیار بر علیه حزب جماعت اسلامی سازمان داده شده و خود دیدن بال و واقع مشابهی صورت بگیرد که در گذشته نزدیک بصورت زدو خورد های کوچک و شرورهای مودی بوده اند، پاره ای از فرماندهان جماعت اسلامی کشته شدند. دولت آمریکا اخیراً اعلام نموده که در نظر دارد مجاهدین را به تویخانه های مدرن برای حمله به فرودگاههای دولتی بچیز کند.

آمریکا و شوروی توافق نمودند که به سرسبی موافقت اصولی که بین مذاکره کنندگان دو کشور در ژنو بر سرنا بودی سلاحهای نیکیا می حاصل شده است بر داخته و آنرا میثای یک کنفرانس بین المللی برای منع سلاحهای شیمیائی قرار دهند.

شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی در مسک نشست خود طی یک بحث مفصل و تند خود مختصاری اقتصادی سه جیموری بالتیک (لیتوانی، استونی و لتونی) را تصویب نمود. در این تصمیم گیری ۳۸۲ نماینده موافق، ۱۵ مخالف و ۱۵ نفر ممتنع رای دادند. بدین ترتیب از اول ژانویه ۱۹۹۰ این سه جیموری در مورد برنا مه های اقتصادی خود مستقلانه و خارج از تصمیم گیریهای برنا مه مرکزی عمل خواهند کرد. کمیونتی از شورای عالی موظف شده تا اول اکتبر ۸۹ طرح تفصیلی این تصمیم را تهیه نماید. میخائیل گورباچف در این نشست تأکید کرد که برنا مه ریزی این جیموری ها با سدر جیها رچوب منافع عمومی کشور صورت گیرد.

انقلاب نسکا را کوته، دهمین سالگرد خود را از سر گذرانند. در نظرات عظمی که به این مناسبت در مانا کوته برنا بد، ارتکا گفت که آمریکا می باشد پس از این در مقابل روند ملج در آمریکا ای لاتین نا باشد، وی همچنین اطمینان داد که انتخابات عمومی سال آینده، انتخاباتی آزاد خواهد بود.

دولت حزب لیبرال دمکرات در ژاپن سقوط کرد و بعد از سالها حکومت بدست حزب سوسیالیست آن کشور رهبری خانم "دیوا" افتاد. سقوط حزب لیبرال دمکرات بدینال، موارد متعدد در سوا کلهای ناشی از سوءاستفاده مالی و رشوه گیری توسط رهبری آن حزب و نخت وزیران منتسب به آن بود.

اعتصاب عمومی کارگران حمل و نقل در لندن و حومه انجام گرفت. این اعتصاب با اعتصاب کارکنان راه آهن انگلستان و نیز راهای اعتصابات محدود حمایتی همراه بود.

روابط بین هندوسری لانکا بر سرادامه حضور نیروهای هندی در سری لانکا همچنان تیره است دولت سری لانکا رسماً از هند تقاضا نموده است که با بسن نیروها را خارج کنند.

پارلمان لیستان، زئرال یوزولسکی را با اکثریت ضعیفی بعنوان رئیس جمهور این کشور انتخاب نمود.



با کمک های مالی خود

سازمان را در امر مبارزه

انقلابی یاری رسانید



معرفی کتاب... از منحه

همه مینظور. اوزیر چشمی نگا هی به جناب سرلین اداخت اما به سرعت نگاه از او برگرفت:

"فردا صبح بیبا بیداری، تا از دست و پات عکس بگیریم" وقتی محمدر به سوی محوطه ای باز کرد، جناب

سروان، بلند به گوشه ای که محمدم بشنود گفت: "اگه دروغ گفته باشی، چوب تو ما تحتش میکنم". حس کردم برق نگاه محمد، جناب سروان را گرفت، اما موش اما بر کینه به جناب سروان زل زد: "ما دروغ نمی گیم جناب سروان".

روز بعد، محمدر و بروی افاق عکس برداری بر دیوار رتکبه زده بود، مرا که دید، خودش را از دیوار رکنند و بحالت خیردار ایستاد. ساعتی بعد "مستردمد" عکسهای دست و پایش را که هنوز خیس بودند، نشا نمود: "دست و پایش دا غوشه".

محمدا بخنده ای بر لب، آنگونه که دندانهای سفید و زیبایش به سختی دیده میشد، گفت: "دیدید، ما دروغ نمی گیم؟ اون قرمماق جا کت دیروز و نیمه به ما بدگفت".

خواننده مجموعه "مسلم" با مردم وبا دردشان، درد کشان فریاد میزنند، با اندوهشان، در خود فزیر میروند، با عصیان نشان بر می آتوبند، وبا غرور و نخوتشان، کینه میوزد و تو مان از دریای بیگانه غرور زیبایی همین مردم لگدمال شده می نوشند.

در مجموعه "مسلم"، هیچ واقعه ای بی دلیل اتفاق نمی افتد و هیچکس بی دلیل بر سر راه کسی قرار نمی گیرد. ساخت داستانها، به همان گونه که سادها اند، به همان گونه محکوم استوارند. درست مثل زندگی مردمی که گزارش آنها، مجموعه "مسلم" را به وجود آورده است. در این نحوه داستان نگاری (گزارش عینی و اقصیت)، اگر چه در کشور ما، تلاشهای پراکنده ای صورت گرفته، اما هنوز این تلاشها به نقطه تمرکزی برای اتکای بخشی از ادبیات داستانی ما تبدیل نشده است. کارمعدودا میتوان بی تردید، یکی از بهترین کارهای از این دست دانست که با وجود ضعفهای نه چندان کم نشانی، باید به فال نیک اش گرفت. غلطهای دستوری و ضعفهای نشانی در این داستانها، اگر چه گاه به شکل آزار دهنده ای به چشم می آیند، اما بیخاطر موضوعاً تو مصتوی تکان دهنده، و در عین حال عینی داستانها و پرداخت خوب آنها، به هیچ وجه بر موفقیت کار مسمود، ما یسه نمی اندازند. مجموعه "مسلم"، نه لایه و نا لایه دل سوخته ای است که بیخاطر آنرا منخواهی اش، خواسته با نوشتن گزارشی از زندگی لگدمال شدگان، به اصطلاح شعبد خود نسبت به توده ها را پاسخ گفته باشد، نه تکه های تصنعی و شوخالی با لادستها توسط روشنفکری ست که خواسته با شد بدین گونه خود را مدافع پائین دستها بنما یاند، و نه تلاش مدعی بی مایه ای است برای سری توی سرهای قلم در آوردن. آنابلوی است از رنج و فقر و بیماری و مرگ اکثریت جامعه پنجاه میلسیونی ما، که مسعود طی سالها با زندگی اش در میان این مردم، بر آن کار کرده و برگوشه های از آن، نور موضعی تابانده تا برجسته تر چشم بیبا یاند.

در حاشیه فیلم میهمانان هتل استوریا

جولطف با ده کند حلوه در رخساری
ز غاشقان به سرود و ترانه یاد آید
سمنده دولت اگر چند سر کشیده رود
ز همراهن، سه سر تا نه یاد آید

در شرایطی که طفیلی‌های جا معده دیروز،
سروان وحکامان جا معده امروز برانند، روزی
نیست که علاوه بر فقر و فلاکت و مسکنت نظاره‌گر
شکوفایی دده‌ها لاله خون رنگ نشا شیم، که با هم
ظرافت و شکندگی خود، مردانه در برابر حکومت
دهشت و ترور ایستاده اند و با خوشیای پاک خویشتن،
راه‌هایی و آزادی همیشگی بشریت را سنگ نسرش
نکنند.

در اوج کسوفی، دو گونه هنر و هنرمندان را
یکی آنکه طرح تمام رخ زندگانی دلاورانه دلاوری
از تبار باطن را تصویر میکنند و مانند شترانه‌ای از
میان خاکستری‌ها و نمک و گرمی نمونه‌های
از جیان فردا را نمودار میکنند، نگاهش هستی آفرین
و کلامش امیدساز و گاهی هم با روت بر قلعه
مستعدین ظلم و جور میگردد.

آری، هنر مبدع اول، گاهی هم تسلی است،
بر قلب و رنج و درد گرفته کشتکاران شالیزارهای
نحال، و گاهی هم با زبان نجات دهنده است برای
ارواح خسته دیمکاران جنوب و چاوشیان کود.

خلاقیت هنری، هنرمند مردمی، خود را همچون
نیروی آتم‌آزا دمیکند و زندگی را بسایه و چشم‌اندازی
وسیع تر و سطحی و بالاتری بخشد، در سوی مقابل،
هنر و هنرمندانی قرار گرفته اند که تفکرشان، و عملشان
و حرکتشان، در خدمت مکنون و انزوا و پایداری،
در خدمت انباشت سرمایه و سود است، می نویسند تا
جوگی گری را ترویج کنند می سازند تا اذهان را
ویران کنند، می سرایند تا سکون را مروج شوند و

تا زده و قورت و نیسان هم باقی است، اعتقادشان هم
را سخ است که "بسی آدمی غمناک یک بیکرند، با یاد ز
این مدعیان، برسد کدما مبنی آدم، با کدما مبنی آدم
اعضای یک بیکرند؟ کودک رنجور و نحیف بیافرانی
که بیکر در هم ریخته اش، مگس را خوب تغذیه میکند
با آفتاب جرج بوش اعضای یک بیکرند." یا "آواره
رنجوری در ترکیه با یک کمان که هفته‌ای سه بار غذا
میخورد آن هم آب معدنی بدون روغن، لابد ایشان هم
با غارتگران چوخ بختیاری عضو یک بیکرند، یقیناً
این آدمیان نه تنها اعضای یک بیکر نیستند بلکه
یکدیگر را تا سرحد مرگ نفی میکنند، در این سبزه
لازمه بقای یکطرف متلاشی شدن طرف دیگر است، ما
انتظار داریم آفتاب علامه زاده، بعنوان سبزه

هنرمند مردمی، که گویا میگویند زمانی خود نیز دستی
هم بر آتش داشته است، یک طرف دعوا را بگیرد و از
سازندگان هنری باشد که نفی کنند ارزشهای از
اعتبار افتاده، و واقع ارزشهای نویینی که زندگی
فردا طلب میکند.

اما، یبنا را آقای علامه زاده کارگردان و فیلم
ساز ما، از دوره ستی نه بر آتش بلکه برخاکستر سردی
دارد. فیلم میهمانان هتل استوریا، ما را به یاد

خاطره‌ای از دوستی انداخت. پیش از اینکه قصه
فیلم را مورد بررسی قرار دهیم تا بدجا لیبریا شد، که
خاطره را با زگوکنیم.

دوستی از زمان تحصیل و اوضاعیت رسید
زندگانی نشان در آن دوران میگفت: در جنوب گیاهی
است خود رو که مردم بموی آنرا "توله" می نامند
با ریش با ران این گیاه از زمین سر بر می آورد، و
قوتی است برای قوت ندادن ران. این دوست می گفت
که بیشتر، در فصل زمستان پخته این گیاه، خوراک اصلی
ما را تشکیل میداد. روزی از آن روزگاران سه
خانه بر میگردد، سوال میکنند ما در غذا چیست؟ طبق
معمول ما در جواب میگویند: "توله" کتابها را بر زمین
می گویند، به کوچی می آید و فریاد بر می آورد:

آی مردم بیایید و بنگرید که با زهم غذای ما
توله است. ما در هر اسان پشت سر! و فریاد بر می آورد
که... ما ستن را هم بگو.

بله آقای کارگردان شما ما ستن را فراموش
کرده‌اید. آواره‌گانی به هر تقدیر دریا ترک گفته‌اند.
پاره‌های از بیم جان، و پاره‌های از محرت نداشتن
کمکی آزادی و پاره‌های دیگر، از بیم مالی کسسه
باز زمان دیگر تقسیم نگردند.

اما به هر دو وضعیت دشوار آواره‌گی، قصه است،
تلخ و غم انگیز، و آنکه به بردا خد این قصه همیشه
میگردد، ما بدش که بعد و گستره، این کلاف را بتناهد
با انطیاق نسبی با وضعیت داخل، فشارها و تحقیرها را
ترسیم و برای بشریت مترقی افشاء نماید.

بله اغلب از بیم جان بگریخته‌گان مشتجانان همه
پراز خالیست، نانی در انبان و پیولی در کسسه
ندارند، در ترکیه و پاکستان و دیگر کشورهای همجوار،
شب را به روز میکنند تا بقول شالمو "خیلی سی سینه‌ها
را از انقراض رهایی بخشند."

ما می برسیم؟ زندگانی مردان زنانی کسسه
هم اکنون در اینگونه کشورها، کودکان نشان را در سانه
رویه دنیا می آورند، کدما هنرمند با بدترسیمشان
کنند؟ مگر جز این است که هنرمند مردمی با بسد و
موکدا هم با یادینان را دریا بد، و قصه رنج و مصیبت
آنها را به تصویر در آورد.

تا زه این نصف کار است، بخشیدای بین سبک
گونه کوچک گاراست سوزها فراوانند، در کشور ما تم
زده ما هر روز که میگردد، انعی هرزه قسدرت،
در کام خویش بدها چون می بسعد و نسل ما در عین
قیروانی و جانفشانی، خونیا و ترس تجربه‌های
تاریخی را بر کرده خویش هک دارد، زندانیا نشا شته
از کل غنچه‌های نوشگفته است که به قدرت ملسط
"نه" گفته اند برای تغیر، فعلا نه گوشده اند.

براستی که تعداد دلیل (۱۰۰۰۰۰) اعدای و تعداد
قلیل تر (۱۰۰۰۰) زندانی سیاسی جرانیا بسد
بتوانند برای هنرمند واقعی مردم سوزهای بشمار
آید؟ بگذارید برسیم آقای علامه زاده مدافع کدام
طبقات اجتماعی است؟ برای کدام طبقه از مردم، کار
هنری میکند و ما با فیلم میهمانان هتل استوریا
ایشان چه هدفی را تعقیب میکنند؟

آفتاب عیاس ما کار هم در تعریف و تمجید
که از این فیلم عمل آورده تا آنجا پیش می رود که
دریابم کارگر شماره ۴۸ ستون دوم صفحه ۷ با کارگر
چهارم، فیلم میهمانان هتل استوریا را، بخاطر
سبک نو و جورا نه اش، یکی از نقاط عطف تاریخ
سینمای ایران میدانند.

کاری به نماندن فرض دادن همکاران هنسری
نداریم، البته در نوشته آقای سماکار، کارگر از
نماندن فرض دادن گذشته است، شاید یک خورا آر دکنم
را ما نماند. تقدیم جناب علامه زاده کرده است. از این
هم میگذریم، ولی شاید علت سبک نو و جورا نه فیلم از
نظر آقای سماکار - جنس باشد:

آقای مهندس محسنی که یک سیاسی چسب و
فعال است - آقای کارگردان - خصوصاً تی برایش
دست و پا کرده است، درست شبیه جناب دادا وودخسان
قاچاقچی، و شاید هم بدتر، که برآستی جبارت میخواهد؟
و یا خانمی که خارج از سوم دیگر زنیا، شبی که
شوهرش در هتل نیست با مردی که مهندس محسنی اش
میخوازند همبستر میشود، به راستی که سبک نویینی
است جناب سماکار! شاید بر خوردنای اینجنسینی
را عیان بر خاشوبیا نه‌ای علیه زندگی یکنواخت
میدانند؟ و یا اینکه با رنگ و بوی ترقی خواهی
درصدید تفکر نسل روبه انقراض را از اذهان
بزدانید؟! عجب!

در این برهوت بدکمانی و شک که آواره‌گان
اینجنسینی اعضا دوازدهم دور میشوند، با راستی -
هایی که ممکن است در فردی و با مجموعه‌ای عمل
کند، جلودوربین گرفتن و با شیوه‌ای کاملاً هنرمند -
اند عیان نمودن، یعنی بجز ترویج باس و بسی
اعتمادی بیشتر را دارد!

شاید موقوفه آوارگی، دستکمی از زندان نداشته
باشد. مبارزین همیشه برای استقامت بیشتر،
خاطره‌ها را در دست، راستی‌ها و صداقت‌ها را در دل هاشان
زنده میگردند تا توان کشیدن زندان نشان باشند.

همیشه هدایتی‌ها و دانیانیا سمبل قرار می‌گرفتند
نه محسن احمدی روحانی‌ها، نقش هنرمند حرکت در
جهت تغیر برای ایجا دجانی بهتر است نه کند
کردن ضعیفها.

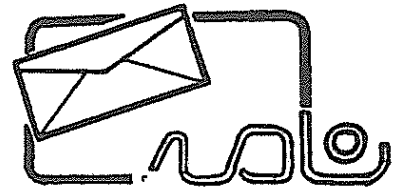
منظور هرگز زندیدن گچی‌ها و ناراستی‌ها
نیست، بلکه در اینجا است که اگر به خاطر اول برگردیم
حال که "توله" را گفته ایم ما ستن را اگر نمی گوئیم،
لا اقل دوعی را عنوان کنیم.

سخن آخر اینکه، با چنین هنرمندانی، بقول
مفسرحیا نیینی ما هی سیه کوچولو، ما بدیه انتظار
سعد و نحس گواکب نشست تا خرد جال ظیور کنسند و
برایمان کره یا ستور بزه سیا ورد.

کارگروهی جمعی از سینمادگان فیلم هتل استوریا در
آلمان غربی - هانوفر

۸۹/۴/۱

با پیام کارگر همکاری کنید!



تظاهرات علیه جمهوری اسلامی

تقلب مطبوعاتی "گل سرخ"

مراتکفورت

پاسخ به نامه ها

گل سرخ نشریه هواداران حزب توده ایران در شماره ۲۹ سال سوم و ششم ۱۹۸۹ در صفحه ۴ مقاله ای را تحت عنوان "مرگ احسان" درج کرده و آنرا از روی بی مسئولیتی تمام و آشکارا به احمدنا ملوفا سر بزرگ کشورمان که در ایران زندگی میکند، نسبت داده است، تا بلکه از این تمذکاهی برای آبروری رفته، خودوا حسان طبری که تا آخرین لحظه حساب در خدمت جمهوری اسلامی، علیها انقلاب و سوسیالیسم قلمزد، بدوزد. مقاله میزبور که از کیهان لندن شماره ۲ در گل سرخ نقل شده است، توسط توده ای (باقی؟) که با احسان طبری مالینای طولانی حشرونشرداشته (البته بدون نام و فقط با امضای مونیخ - خرداد ماه ۱۳۶۸ در کیهان لندن درج شده است) نوشته شده است و آغا ز مقاله به بیستی از اشعار شاملو مزیب است.

گردانندگان گل سرخ با دیدن نام احمدنا ملو در این نشین شعرا ز هول حلیم در دیدن افتاده اند. اما با توجه به متن و اشارات جا بجای نویسنده به ملاقات با طبری در بابل و لایبزیک، دفاع آن از عملکردهای طبری، تا ریخ و محل نگارش مقاله، آشکارا روشن است که نوشته نمی تواند متعلق به نامرنا مدار کشورمان شاملو باشد.

ما این تقلب فاحش مطبوعاتی بی مسئولیتی گردانندگان گل سرخ (نشریه هواداران حزب توده) را در رابطه با شاملو، تا عریجسته و معاصر کشورمان که زیرساختور فقهی جناستگار زندگی میکند، شنیدیم. محکوم میکنیم.

تصحیح و پیوزش

در ادیت "گزارش دومین کنفرانس سازمان خارج از کشور" مندرج در نشریه "پیام کارگر" ۲۷ اشتباهاتی رخ داده که بدین وسیله اطلاع میگردد. صفحه اول ستون اول سطر هفتم بجای "ما زمان" "ما زمان" درست است. صفحه ۳ ستون اول سطر ۱۲ بجای "فراکسیون ما زمان شل"، "فراکسیون ما زمان شل" درست است. صفحه ۴ ستون دوم سطر ۸ از پایین "این امر نمی تواند حتی... غلط و بجای آن" این امر میتواند حتی از طریق... درست است.

برگزاری آکسیون در رابطه با مرگ خمینی

اعلامیه ای بزبان سوئدی نیز نمودند.

در این اعلامیه ضمن برشماری جنابات ده ساله جمهوری اسلامی و اختلافات جناحها، هرگونه آلترناتیو سازی ارتجاعی محکوم گردیده و از آنجا که آلترناتیو حکومتی اعلام حمایت شده بوده که حاصل مبارزات کارگروان و زحماتشان بوده و نمایند، منافع واقعی انسان باشد.

گروهی از پناهندگان مبارز نیز فعلا لاندسه در برگزارای این آکسیون که قریب به ۲ ساعت ادامه داشت، شرکت نمودند.

سناسبت مرگ خمینی رهبر خون آنا مریسم اسلامی، بدعوت تعدادی از سازمانها و گروههای سیاسی ایرانی از جمله هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران (شورای عالی)، هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) و هواداران پیکار سابق و... تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در تاریخ شنبه ۲۲ ژوئیه در فرانکفورت برگزار گردید. در این تظاهرات که چند صد نفر شرکت کرده بودند، شعارهای درستی در رنگونی رژیم اسلامی، محکومیت رژیم دولتی رژیم در حکومت ترور خیر داده شد. در پایان تظاهرات و در مسیر راهپیمایی علیه رژیم که همه سازمانها و گروههای دعوت کننده در مسرورمان مشارکت میکردند، شعارهای یکنواخت و قطعنا هموا حد داده شد. و هر کدام از گروهها برخاستند. همو با مستقلا قدامسه دعوت کرده بودند.

تظاهرات آخر که با همان شیوه فرقه گرایانه و منحن و تلاش فراوان و وسیع از شهرهای مختلف صورت گرفته بود، نشوایست، علیه رژیم فاشیستی و استبداد همدایورسیون ایرانی از مرگ بزرگترین جنا بکار رژیم اسلامی، خمینی، با موفقیت و با شرکت تعداد بسیاری از ایرانیان مخالف رژیم برگزار گردیده و خواستهای خود را در قطعنا من و واحدی با توجه به عمومیت موضوع تظاهرات منعکس کند. طولانی شدن فاصله زمان برگزاری تظاهرات از مرگ خمینی، یکنواخت نبودن و برخاستن شعارها و هدفها و جاه زنی های ایدئولوژیک در یک حرکت دمکراتیک و عمومی همه و همه تجلی بیماری جان سخت فرقه گرایانه ای است که با حرکت اخیرین بست کامل خود را آشکارا میبازد. متاسفانه ما جریانات فسوق با شیوه های فرقه گرایانه ایدئولوژیک موجب گردیده اند که سازمانهای انقلابی و ایوریسیون مترقی رغبتی برای همکاری و شرکت در حرکات منفعت طلبانه آنها نشان ندهند. این گروهها علیه رژیم سیرانحرافی و سراسیمه که تا بحال طی کرده اند، هنوز در سبای لازم را فرا نگرفته اند.

در عصر روز دوشنبه ۵ ژوئن آکسیون در رابطه

با مرگ خمینی از سوی کمیته ویژه میزکتاب گوتنبرگ - شامل هواداران جفا، آلمان مستضعفین ارشاد، سچقا (اقلیت) و وادگوتنبرگ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - در مرکز شهر گوتنبرگ برگزار گردید.

شرکت کنندگان در آکسیون ضمن به نما بست در آوردن عکسها و طرحهای در افشای جنابیات جمهوری اسلامی، دفاع از زندانیان سیاسی و شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، اقدام به بخش

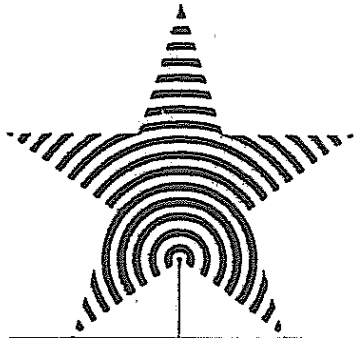
- رفیق مریم - سوئد: مصاحبه تلفنی را که با دفتر ANC بتاريخ ۱۲/۶/۸۹ انجام داده و بسیاری مکارگر فرستاده بودید رسید. اما به دلیل اینکه همزمان مصاحبه مفصلی را با ANC در پیام درج کرده بودیم، نتوانستیم از کار شما استفاده کنیم. در آینده در جای خود از آن بهره خواهیم گرفت. منتظر همکاریهای بیشترتان با پیام هستیم.

- رفیق م. ک. سوئد: مقاله و ترجمه های شما در مورد محاکمات کارگرمبار زمان کورتیس آمریکا که دلیل مبارزاتش برای اعاده حقوق برادران کارگرمبار مورد کینه ویژه را با سرمایه و استثمار قرار گرفته است، بدستمان رسید. اما متاسفانه به دلیل حجم صفحات نشریه و مطالب تازه تر، از درج آن با زمانندیم. امیدواریم در زمان سبتهای دیگر از آنها استفاده کنیم.

- دوست عزیز ج. س. از هانور، آلمان غربی: بنقد شما در مورد فیلم میهمان هتل آستوریا دریافت کرده ایم. اخیرا ما چندین نقد در مورد این فیلم از زوایای مختلف برای آشنائی خوانندگان خود درج کرده ایم. از آنجا که نقد شما علیه رژیم زبانی آن تا حدودی از همان زوایای مشابه فیلم را نقد کرده است، از درج آن معذوریم. اما دست شما را از دور می فشاریم و امیدواریم که مقالات دیگری از شما دریافت کنیم.

- جمعی از بینندگان فیلم میهمان هتل آستوریا، از هانور آلمان غربی: با تشکر از نقدهای که فرستاده اید، ضروری دیدیم که اشاره ای به دلایل درخواست شما مبنی بر چاپ مقالهتان نکنیم. شما دوستان عزیز در رابطه با نقدها نوشته اید: "همچنانکه تقدس آقای عباس سماکارا در نشریه خود منعکس نمودید، نظر جمعی این بینندگان را نیز درج کنید" و با این استدلال به درخواست خود جنبه حقوقی داده اید و آنرا ظاهرا برای ما الزام آور کرده اید. اگر توجه کرده باشید ما در صفحات ستون آزاد و هنری تا بحال مقالات متعددی را با امضای نویسندگان آنها درج کرده ایم، بدون اینکه با همه و با بخشهایی از مضامین آنها توافق داشته باشیم. خصلت این صفحات با زکردن امکان برای طرح نظرات گوناگون در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بویژه هنری است، البته با معیارها و اختیارات کامل هیئت تحریریه درگزین آنها که قبلا در پیام کارگر توضیح داده ایم. لذا از آنجا که نقد شما هم از یک زاویه متفاوت با آنچه تا کنون درج کرده ایم به مضامین و اهداف فیلم نگاه میکند، به درج آن خواهیم پرداخت، اما نه با استدلال شما دوستان.

مراسم به خاکسپاری دکتر قاسملو و قادری آذر



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران برده نگرها

★ برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه
ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود.
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار
میکردد.

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش میشود.

★ برنامه های صدای کارگر ویژه کردستان:

۶ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت
۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج
کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش
میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه
شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.
جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه
پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر
جمعه تکرار میشود.

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65

برای تماس با سازمان از خارج کشور،
با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹
در برلین غربی تماس بگیرید. بدلیل
کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط
رژیم اسلامی، مطلقاً تحت هیچ شرایطی
از داخل کشور با این شماره تلفن تماس
گرفته نشود.

تظاهرات که دعوت گمسته، اتریش حسی ب
دمکرات گرد آمده بود، همزمان با با زگرداندن یکی
از تروریست ها به ایران بود. از این روتظا هر
کنندگان از این عمل دولت اتریش که بخاط
مناسبات اقتصادي با جمهوری اسلامی آتشکا را به زیر
با گذاشتن حقوق انسانی قربانان اقدام کرده و
شا هدین و مرتکبین جنایت رافقراری میدا دبه شدت به
خشم آمده بودند و قریباً دمیزدند: اتریش جقدر سه
ایران وابسته است ۱۰۶ اتریش مرکز تروریست ها ست،
رژیم اتریش از تروریستها حمایت میکند.

تظا هرکنندگان در پیمان قطعنامه ای را به
همراه هیئتی به داخل نخست وزیری برده و تحویل



دادند، آنها خواهان آتشکا ر شدن همه را نیست،
جلوگیری از گسترش تروریسم، قطع رابطه با ایران،
محکومیت تروریسم دولت ایران و موضعگیری مرسج
دولت اتریش و افشای رژیم فقیها در جامع بین -
المللی بودند. تظا هرات با شعارهای مرگ بر رژیم
جمهوری اسلامی و زنده باد همبستگی بین المللی
به پایان رسید.

لازم به ذکر است که ۳ روز بعد از وقوع جنایت در
تاریخ ۱۶ ژوئیه نیز مراسم با دیوید دکتر قاسملو
وقادری آذر در دروین برگزار گردید و بسیا کمبیتسه
مرکزی حزب دمکرات قرا ثت شد. در هر دو برنا مه اغلب
سازمانهای سیاسی ایرانی، گرد و ترک و سرخی از
نیروهای اتریشی شرکت کرده بودند.

کرد عراقی و ترکیه و نمایندگان از جانب سرخی
دولتیا، از جمله فرانسه و سوئد و نمایندگان
سازمانهای اجتماعی و حقوق بشر دیده میشوند.
هنگام خاکسپاری، نماینده دفتر سیاسی گمسته
مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، ما پوستسا
عبداللله هاک، سخنرانی کرده، بر ارزش های
معنوی و سیاسی دکتر قاسملو را یاد کرده و بس
جمعیت حاضر قول داد که حزب دمکرات به مبارزه حق
طلبانه و مسلحانه، خود علیه جمهوری اسلامی ادا
خواهد داد. غیر از نماینده حزب شخصیت های دیگری
از جمله برنا ردگرنز وزیر حقوق انسانی فرانسه که
مدتی را قسلا دعوت دکتر قاسملو میبمان او بوده.



رئیس سازمان حقوق بشر فرانسه، نماینده دولت
سوئد و چند تن دیگر صحبت کرده و ترور دکتر قاسملو و
همراهان وی را توسط جمهوری اسلامی محکوم نمودند.

تظاهرات و اعتراضات دروین

روز جمعه ۲۸ ژوئیه نیز بخشی از خیابانهای بر
رفت و آمدوین، نا هد تظا هرات صدها گرد، ایرانی
و ترک و اتریشی بود که علیه مرکز جاسوسی و تروریستی
جمهوری اسلامی دروین و در اعتراض به اقدامات
مقامات اتریشی در آزادی و فراری دادن ترور
یست های دیپلمات به ایران فریا دمیزدند:
تروریست ها حمایت میشوند، قربانان فراموش
میشوند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!